



تلاوت روزی یک جزء از
قرآن
الجزء ۲۳
Reciting one Juz' a day from
Qur'an

جزء ٢٣ - صفحہ ٤٤٢ تا صفحہ ٤٦١

الجزء الثالث والعشرون - الصفحة ٤٤٢ إلى الصفحة ٤٦١
Juz' (Part) 23 - Page 442 to Page 461

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ

و ما پس از او (یعنی حبیب)

We did not send any army down

مِنْ بَعْدِهِ

بر قومش

from Heaven



مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ

هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم (تا بر ایمان مجبورشان کنند)
to his folk after him,

وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ

۲۸

و هیچ این کار (با ملتی) نکرده‌ایم (و نخواهیم کرد). (۲۸)
nor do We ever send any down. (28)



۵
إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

نبود عقوبتشان، جز یک صیحهٔ عذاب آسمانی
There was only a single Blast, and imagine,

۲۹

فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ

که به ناگاه همه هلاک شدند. (۲۹)
they [lay] shrivelled up! (29)



يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ

وای بر حال این بندگان (گمراه لجوج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها
 What a pity it is with such worshippers! No messenger has ever come

رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند. (۳۰)
 to them unless they made fun of him. (30)



۷
أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ

آیا ندیدند چه بسیار طوایفی را پیش از اینها

Have they not seen how many generations We have wiped out

مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ۳۱

هلاک کردیم که دیگر ابداً به (دیوار) اینان باز نگردند؟ (۳۱)

before them who will never return to them? (31)



وَإِن كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ

و هیچ کس (از گذشته و آینده در عالم) نیست

Each will be arraigned

لَدَيْنَا مَحْضُرُونَ

۳۲

جز آنکه همه نزد ما حاضر آورده می شوند. (۳۲)

so they all stand before Us. (32)



۹
وَعَايَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ

و یک برهان برای آنان (بر این که ما مردگان را زنده می‌کنیم)

The dead earth serves as a sign

أَحْيَيْنَاهَا

آن است که زمین مرده را (به باران رحمت) زنده کرده

for them;



وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا

و از آن دانه‌ای که قوت

We revive it and bring forth grain from it

فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

و روزی خلق شود می‌رویانیم. (۳۳)

which they may eat. (33)



وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ

و در زمین باغها

We have placed date groves

مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ

از نخل خرما و انگور قرار دادیم

and vineyards on it,



وَفَجَّرْنَا فِيهَا

و در آن چشمه های آب
and make springs flow forth

مِنَ الْعُيُونِ



جاری کردیم. (۳۴)

from it (34)



لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ

تا مردم از میوه آن باغها تناول کنند و از انواع غذاهایی که (از این میوه‌ها و نباتات) به
so they may eat its fruit. Their own hands did not produce it.

أَيَدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

۳۵

دست خود عمل می‌آورند نیز تغذیه نمایند. آیا نباید شکر آن نعمتها به جای آرند؟ (۳۵)
So, will they not give thanks? (35)



سُبْحَانَ الَّذِي

پاک و منزہ است خدایی کہ

Glory be to the One

خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا

ہمہ ممکنات عالم را جفت آفریدہ

Who has created every kind of species



مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ

چه از نباتات (و حیوانات) و چه از نفوس بشر
such as the earth grows, their own kind,

وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ

۳۶

و دیگر مخلوقات که اینان از آنها آگه نیستند. (۳۶)
and even some things they do not know! (36)



وَأَيُّ لَهْمِ اللَّيْلِ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ

و برهان دیگر برای خلق وجود شب است که ما چون پرده روز را از آن
 Another sign for them is night; We strip daylight off from it

۳۷

فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ

برگیریم، ناگهان همه آنان در تاریکی فرو می‌روند. (۳۷)
 so they are plunged into darkness! (37)



وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ج

و نیز خورشید تابان بر مدار معین خود دایم بی هیچ اختلاف به گردش است.

The sun runs along on a course of its own.

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۳۸

این طرح و تدبیر خدای دانای مقتدر است (و برهان دیگر بر قدرت اوست). (۳۸)

Such is the design of the Powerful, the Aware! (38)



وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ

و نیز (گردش) ماه را (در) منازل معین مقدر کردیم تا مانند

And We have designed phases for the moon so it finally appears

كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ۳۹

شاخه خشکیده خرما باز گردد. (۳۹)

again like an old palm frond. (39)



لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا

نه (در گردش منظم عالم) خورشید را

The sun dare not overtake

أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ

شاید که به ماه فرا رسد

the moon



وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ج

و نه شب بر روز سبقت گیرد
nor does night outpace the day.

وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

و هر یک بر مدار معینی (در این دریای بی پایان) شناورند. (۴۰)

Each floats along in its own orbit. (40)



وَعَايَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ

و برهان دیگر برای آنان آن که ما فرزندان آنان (یعنی بشر) را
 Another sign for them is how We transported their offspring

فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ٤١

در کشتی پر بار سوار گردانیدیم. (۴۱)
 on the laden ship. (41)



وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ

و نیز برای آنها به مانند کشتی، چیزی که بر آن سوار شوند
We have created something like it for them

مَا يَرْكَبُونَ

۴۲

خلق کردیم (شاید اتومبیل و ترن و طیاره مقصود باشد). (۴۲)
on which they may sail. (42)



وَإِنْ نَشَاءُ نُغْرِقُهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ

و اگر بخواهیم همه را به دریا غرق کنیم که ابداً نه فریادرسی

If We so wished, We might even let them drown and they would have

وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ

۴۳

و نه راه نجاتی یابند. (۴۳)

no one to cry out to, nor would they be rescued (43)



إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا

مگر باز لطف و رحمت ما آنها را نجات دهد
except as a mercy from Us



وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ

و تا وقت معین، بهره زندگی بخشد. (۴۴)
and to enjoy things for a while. (44)



وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ

و چون مردم را گویند که در امر گذشته و آینده (دنیا و آخرت) خویش (اندیشه کنید

When they are told: "Heed what lies in front of you

وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

(و تقوا پیشه کنید شاید مورد لطف و رحمت خدا گردید (روی بگردانند). (۴۵)

and what's behind you so that you may find mercy," (45)



وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ

و بر این مردم (غافل) هیچ از آیات الهی نیاید
not one of their Lord's signs has come to them

۴۶

إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

جز آنکه از آن اعراض کنند. (۴۶)
except they tried to avoid it. (46)



وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا

و چون به آنها گویند که از آنچه خدا

When they are (also) told:

مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ

روزی شما قرار داده (چیزی برای خدا به فقیران) انفاق کنید،

"Spend something God has provided you with,"



قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا

کافران به اهل ایمان جواب دهند آیا ما به کسی که
the ones who disbelieve tell those who believe:

أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ وَ

اگر خدا می خواست، به او هم روزی می داد اطعام و دستگیری کنیم؟

"Should we feed someone whom God would feed if He so wishes?"

إِنَّ أَنْتُمْ

شما پیدا است که

You are

۴۷

إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

سخت در غلط و گمراهی هستید. (۴۷)

quite obviously in error!" (47)



وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ

و کافران گویند: پس این وعده (قیامت و بهشت و دوزخ)

They say: "When will this promise occur

۴۸

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

اگر راست می گوئید کی خواهد بود؟ (۴۸)

if you are so truthful?" (48)



مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

این منکران قیامت انتظار نکشند جز یک صیحه (اسرافیل حق) را که به

They need only wait for a single Blast

۴۹

تَأْخُذْهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ

(مرگ) همه را فرا گیرد در حالی که با هم به بحث و جدل مشغول اند. (۴۹)

to catch them while they are arguing away. (49)



فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً

پس (در آن لحظه مرگ) نه توانایی سفارشی دارند
They will not even manage to draw up a will,

ع

وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ

و نه به اهل بیت خود رجوع توانند کرد. (۵۰)
nor will they return to their own people. (50)



وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم

و (چون بار دوم) در صور دمیده شود به ناگاه همه از قبرها
 The Trumpet will be blown and then they will swarm forth

مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾

به سوی خدای خود به سرعت می شتابند. (۵۱)
 from their tombs to meet their Lord. (51)



قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا

و گویند: ای وای بر ما، که ما را

They will say: "It's too bad for Us! Whoever has raised us up

مِنْ مَرَقَدِنَا

از خوابگاهمان برانگیخت؟

from our sleeping quarters?



هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ

این همان وعدهٔ خدای مهربان است

This is what the Mercy-giving has promised;

۵۲

وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ

و رسولان همه راست گفتند. (۵۲)

the emissaries have been telling the truth." (52)



إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

و آن جز یک صیحه (و یک لحظه بیش) نباشد

There will be only a single Blast

فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

۵۳

که ناگاه تمام خلائق محشر به پیشگاه ما حاضر آورده خواهند شد. (۵۳)

and then they will all be assembled in Our presence. (53)



فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا

پس در آن روز کمترین ظلمی به هیچ کس نشود

On that day no soul will be harmed in any way,

وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۵۴

و جز آنچه عمل کرده‌اید، ابداً جزایی نخواهید یافت. (۵۴)

and you will be rewarded only for what you have been doing. (54)

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ

اهل بهشت آن روز خوش به وجد

The inhabitants of the Garden will be happily



فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ

و نشاط مشغولند. (۵۵)

at work on that day. (55)



هُمُ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ

آنان با زنان و اقرانشان در سایه‌ها (ی درختان بهشت)

They and their spouses will relax

عَلَى الْأَرَائِلِ مُتَكِئُونَ

۵۶

بر تختها (ی عزّت) تکیه کرده‌اند. (۵۶)

on couches in shady nooks; (56)



۵۷

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ

برای آنها در آنجا میوه‌های گوناگون و هر چه بخواهند آماده است. (۵۷)
 they will have fruit there and they shall have anything they request. (57)

۵۸

سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ

(فرشتگان رحمت) بر آنان از خدای مهربان، سلام و تحیت رسانند. (۵۸)
 "Peace!" will be a greeting from a Merciful Lord. (58)



وَامْتَازُوا الْيَوْمَ

و (به فاسقان خطاب شود) ای بدکاران،
Step aside today,

أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ

۵۹

امروز شما (از صف نیکوان) جدا شوید. (۵۹)
you criminals! (59)



أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ

(خطاب آید) ای آدم‌زادگان، آیا به شما سفارش نمودم

Did I not contract with you, O children of Adam,

أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ

که شیطان را نپرستید،

not to serve Satan?



إِنَّهُ وَلَكُمْ

زیرا روشن است که

He is

٦٠

عَدُوِّكُمْ

او دشمن بزرگ شماست؟! (٦٠)

an open enemy of yours. (60)



وَأَنِ اعْبُدُونِي ج

و مرا پرستش کنید،

And to worship Me [Alone]!

هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ٦١

که این راه مستقیم (سعادت ابدی) است؟! (۶۱)

This is a Straight Road. (61)



وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا ۖ

و همانا خلق بسیاری از شما نوع بشر را (این دیو) به گمراهی کشید،
He has led a numerous mob of you astray.

۶۲

أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ

آیا عقل و فکرت کار نمی بستید (تا از مکر و فریبش بپرهیزید)؟ (۶۲)
Haven't you been reasoning things out? (62)



هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي

این همان دوزخی است که

This is Hell,

كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

۶۳

به شما (پیروان شیطان) وعده می دادند. (۶۳)

which you were threatened with. (63)



أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ

امروز در آتش آن
Roast in it today

۶۴

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

به کیفر کفرتان داخل شوید. (۶۴)
because you have disbelieved!" (64)



الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ

امروز بر دهان آن کافران مهر خموشی نهیم
That day We shall seal their mouths up

وَتَكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ

و دستهایشان با ما سخن گوید
while their hands will speak to Us



وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ

و پاهایشان

and their feet bear witness

۶۵

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

به آنچه می کردند گواهی دهد. (۶۵)

about what they have been earning. (65)



وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ

و اگر ما بخواهیم، دیده‌هایشان را (به گمراهی) محو و نابینا کنیم
 If We so wished, We would put their eyes out so they must grope

فَاسْتَبِقُوا الصِّرَاطَ فَإِنِ يَبْصُرُونَ

تا چون به راه سبقت گیرند، کجا (با کوری و گمراهی) بصیرت یابند؟ (۶۶)
 along the Road. Yet how will they ever notice [anything]? (66)

وَلَوْ نَشَاءُ

و اگر بخواهیم همان جا
If We wished,

لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ

صورت آنها را مسخ کنیم (تا به شکل سگان و بوزینگان شوند)
We would nail them to the spot



فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا

که نه (از آن صورت یا از آن جا) بتوانند گذشت
so they would not manage to keep on going

وَلَا يَرْجِعُونَ^ع ۶۷

و نه (به صورت اول) بازگشت. (۶۷)
nor would they ever return. (67)



وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ

و ما هر کس را عمر دراز دهیم (به پیری) در خلقتش تغییر دهیم.
 Anyone We grant long life to, We switch around within creation.

أَفَلَا يَعْقِلُونَ

۶۸

آیا (در این کار) تعقل نمی‌کنند؟ (۶۸)
 Will they not use their reason? (68)



وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ^{وَجْهٌ}

و نه ما او را (یعنی محمد «ص» را) شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست،

We have not taught him any poetry nor would it be fitting for him.

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُبِينٌ ^{۶۹}

بلکه این کتاب چیزی جز ذکر الهی و قرآن روشن بیان خدا نیست. (۶۹)

It is merely a Reminder and a clear Reading (69)



لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا

تا هر که را زنده دل است (به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند
 so he may warn anyone who is alive

وَيَجِيءُ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ

و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعدهٔ عذاب حتم و لازم گردد. (۷۰)
 and the Sentence may be confirmed against disbelievers. (70)



أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ

آیا کافران ندیدند که بر آنها به دست (قدرت) خود از جمله آفریدگان

Have they not considered how We have created livestock for them out of

أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾

چهارپایانی خلقت کردیم تا مالک آنها شوند؟ (۷۱)

what Our own hands have made, and they are masters over them? (71)

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ

و آن حیوانات را مطیع و رام آنها ساختیم که هم بر آنها سوار شوند
We let them tame them: some of them are to be ridden,

وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ

۷۲

و هم از آنها غذا تناول کنند. (۷۲)
while others they eat; (72)



وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ

و برای آنها در آن حیوانات منافع و آشامیدنی‌های فراوان هست،
they receive benefits and drinks from them.

۷۳

أَفَلَا يَشْكُرُونَ

آیا شکر نباید به جای آرند؟ (۷۳)
Will they not act grateful? (73)



وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً

و (مشركان از جهل) به جای خدا، خدایانی دیگر اتخاذ کردند
 Yet they have adopted [other] gods instead of God [Alone],

لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ

۷۴

تا مگر (از جانب آنها) یاری شوند. (۷۴)
 so that they may be supported. (74)



لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ

هرگز آن خدایان کمترین نصرتی به آنها نتوانند کرد و خود این مشرکان معبودانشان را

They still cannot achieve their support; yet they stand up

وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحَضَّرُونَ

۷۵

سپاهی حاضر خدمت هستند که همگی را (در قیامت در آتش دوزخ) حاضر آرند. (۷۵)

for them like an army in their presence! (75)



فَلَا يَجْزِنَاكَ قَوْلُهُمْ

پس سخن این مشرکان تو را محزون نکند. ما هر آنچه پنهان

Do not let their statement sadden you; We know what

إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

و آشکار گویند همه را می دانیم (و به کیفر کفرشان می رسانیم). (۷۶)

they are keeping secret and what they are disclosing. (76)



أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ

آیا انسان ندید که ما او را از نطفه ناقابل (چنین آراسته) خلقت کردیم؟

Has not man considered how We created him

مِنْ نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

۷۷

آن گاه (به جای آنکه شکرگزار باشد) دشمن آشکار ما گردید. (۷۷)

from a drop of semen? Yet he is an open adversary! (77)



وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ

و برای ما مثلی (جاهلانه) زد و آفرینش خود را فراموش کرد،

He makes something up to be compared with Us and forgets how he was created.

قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ

گفت: این استخوانهای پوسیده را باز که زنده می‌کند؟ (۷۸)

He even says: "Who will revive [our] bones once they have rotted away?" (78)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ

بگو: آن خدایی زنده می کند که اول بار آنها را ایجاد کرد

SAY: "The One Who raised them up in the first place will revive them.

وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

۷۹

و او به هر آفریده ای داناست. (۷۹)

He is Aware of all creation, (79)



الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ

آن خدایی که از درخت سبز و تر برای انتفاع شما آتش قرار داده
the One Who grants you fire from green trees.

نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾

که (برای حاجتی که خواهید) بر می افروزید. (۸۰)
Notice how you kindle a fire from them. (80)



أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

آیا آن خدایی که (خلقت با عظمت) آسمانها و زمین را آفریده، بر آفرینش (موجود

Is not Whoever created Heaven

وَالْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

(ضعیفی) مانند این کافران قادر نیست (که چون مردند باز آنها را زنده گرداند)؟

and Earth Able to create the same as them?"



بَلَىٰ

چرا (البته قادر است)

Of course

وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ
 ۸۱

و او آفریننده و داناست. (۸۱)

[He is]! He is the Creator, the Aware. (81)



إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا

فرمان نافذ او چون اراده خلقت چیزی کند

Once He wishes anything,

أَنْ يَقُولَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ

به محض اینکه گوید: «موجود باش» بلافاصله موجود خواهد شد. (۸۲)

His command only needs to tell it: "Be!"; and it is! (82)



فَسُبْحَانَ الَّذِي فِي يَدِهِ مَلَكُوتُ

پس منزّه و پاک است خدایی که (ملک و) ملکوت هر موجود

Glory be to Him Whose hand holds sovereignty

ع ۸۳

كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

به دست (قدرت) او و بازگشت شما همه خلائق به سوی اوست. (۸۳)

over everything! To Him will you return. (83)



سوره ۳۷ - ۱۸۲ آیه - مکی ﴿ سُورَةُ الصَّافَّاتِ ﴾

Surah 37: (As-Saaffaat)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



وَالصَّافَاتِ صَفًا ۱

قسم به صف زدگان (چون فوج فرشتگان یا نمازگزاران یا سپاه اهل ایمان) که صف آرایی

As the Ranks are drawn up, (1)

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ۲

کرده‌اند. (۱) قسم به منع و زجرکنندگان (از عمل معصیت کاران، یا رانندگان ابرو باران). (۲)

rebuking with restraint (2)



فَالْتَالِيَاتِ ذِكْرًا



قسم به تلاوت کنندگان ذکر (همه کتب آسمانی یا آیات قرآن). (۳)
and reciting a Reminder, (3)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ



که محققاً خدای شما یکی است. (۴)
your God is One [Alone], (4)



رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

همان خدای یکتا که آفریننده آسمانها و زمین است

Lord of Heaven and Earth

وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ٥

و هر چه بین آنهاست و آفریننده مشرقها (و مغربها) است. (۵)

and whatever lies between them, plus Lord of the Eastern parts! (5)

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا

ما نزدیکترین آسمان را

We have beautified the worldly sky

بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ



به زیور انجم بیاراستیم. (۶)

with the splendor of stars (6)



وَ حِفْظًا

و (به شهاب آن انجم) از تسلط
plus a safeguard


 مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ

هر شیطان سرکش گمراه محفوظ داشتیم. (۷)
against every stubborn devil (7)



لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

تا شیاطین هیچ از وحی و سخنان فرشتگان عالم بالا نشنوند
so they may not listen to the supreme council

وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ



و از هر طرف به قهر رانده شوند. (۸)
and are hurled forth on every side. (8)



ذُحُورًا

هم به قهر برانندشان

Driven away,

وَلَهُمْ عَذَابٌ وَّاصِبٌ ۙ

و هم به عذاب دائم (قیامت) گرفتار شوند. (۹)

they will have lingering torment (9)



إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ

جز آنکه کسی (از شیاطین چون خواهد از عالم بالا) خبری بریاید،
except for someone who tries to eavesdrop

فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ۱۰

هم او را تیر شهاب فروزان تعقیب کند. (۱۰)
so that a blazing meteor follows him. (10)



فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلَقًا

از این منکران قیامت بپرس که آیا خلقت آنها سخت تر است

Ask their opinion whether they

أَمْ مَنْ خَلَقْنَا

یا موجودات (با عظمت) دیگر که ما خلق کرده ایم؟

or someone We created have been created stronger.





إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ

و ما اینان را در اول از گل چسبنده بیافریدیم. (۱۱)

We created them from sticky clay. (11)



بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ

بلکه تو (از انکار منکران) تعجب کردی و آنها هم به تمسخر پرداختند. (۱۲)

Rather you have been surprised as they sneered; (12)



۱۳

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ

و هر گاه به آنها پند و اندرز دهند هیچ متذکر نمی شوند. (۱۳)
 yet whenever they are reminded, they do not recall anything. (13)

۱۴

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ

و چون آیت و معجزی مشاهده کنند باز هم به فسوس و مسخره پردازند. (۱۴)
 Whenever they see some sign, they make fun of it (14)





وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

و گویند: این خود پیداست که سحری بیش نیست. (۱۵)
and say: "This is just sheer magic! (15)

أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا

(و با تعجب و انکار گویند) آیا چون ما مردیم و خاک و استخوان پوسیده شدیم
When we have died and become dust and bones,



۱۶

أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

باز زنده و برانگیخته می شویم؟ (۱۶)

will we be raised up again? (16)

۱۷

أَوْءَابَاءُنَا الْأَوَّلُونَ

یا پدران گذشته ما زنده می شوند؟! (۱۷)

Along with our earliest forefathers?" (17)



قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿١٨﴾

بگو: آری شما (و هم پدرانتان) خوار و ذلیل به محشر مبعوث خواهید شد. (۱۸)
SAY: "Yes, and you yourselves abashed." (18)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ

تنها به یک صیحه (اسرافیل) است
There will only be a single rebuke and then,



۱۹

فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ

که ناگاه همه (زنده شده و از قبرها بر خیزند و عرصه قیامت را) بنگرند. (۱۹)
they shall see! (19)

۲۰

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ

و گویند: ای وای بر ما، این است روز جزای اعمال. (۲۰)

They will say: "How awful it is for us: this is the Day for Repayment! (20)

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي

این است روز حکم (بر نیک و بد)

This is the day for sorting things out



كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ

که شما تکذیب آن می کردید. (۲۱)

which you have been denying." (21)



أَحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ

(و خطاب شود که) اینک ستمکاران را حاضر کنید با همسران (یا پیروان)

Summon the ones who have done wrong plus their spouses,

وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ

۲۲

و آنچه معبود ایشان بود، (۲۲)

and anything they have been worshipping (22)



مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ

که به جز خدا می پرستیدند،

instead of God; lead them along

إِلَى صِرَاطٍ الْجَحِيمِ ۲۳

و همه را به راه دوزخ راه نمایید. (۲۳)

the road towards Hades. (23)



وَقِفُوهُمْ

و (در موقف حساب) نگاهشان دارید

Stop them!

۲۴

إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ

که در کارشان سخت مسئولند. (۲۴)

They must be questioned: (24)



۹۰
مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ ﴿٢٥﴾

(به آنان خطاب شود که) چرا شما (در دفع عذاب) به یکدیگر نصرت نمی‌کنید؟ (۲۵)
"What's wrong with you that you do not support each other?" (25)

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿٢٦﴾

بلکه در این روز آنها همه سخت تسلیم و ذلیلند. (۲۶)
Rather today they are surrendering. (26)



وَأَقْبِلَ بَعْضُهُمْ

و در آن هنگامه برخی از آنان به بعضی دیگر رو نموده

Some of them will step forth

عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

(یعنی مرئوسین با رؤسا) سؤال و جواب کنند. (۲۷)

to question one another. (27)



قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ

گویند: شما بودید که از سمت راست (و چپ برای فریب) ما می آمدید. (۲۸)

They will say: "You used to come at us from the right." (28)

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۲۸ ۲۹

آنها جواب دهند (که به ما مربوط نیست) بلکه شما خود ایمان نیاوردید. (۲۹)

They will say: "Rather, you were not believers! (29)



۹۳
ز

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ

و ما بر شما تسلط و حجتی نداشتیم

We have no authority over you.

۳۰

بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِيًّا


بلکه شما خودتان طاغی و سرکش مردمی بودید. (۳۰)

Instead you have been such arrogant folk. (30)



فَحَقُّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا ^ز

پس امروز بر همه ما وعده (انتقام) خدایمان حتمی است،
Our Lord's sentence has been confirmed against us;

إِنَّا لَذَائِقُونَ ^و
 ۳۱

و البته عذاب را خواهیم چشید. (۳۱)
we are indeed tasting it! (31)



فَاغْوَيْنَاكُمْ

و ما شما را بدین سبب گمراه کردیم
We lured you on;

۳۲

إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ

که خود گمراه بودیم. (۳۲)
we were seducers." (32)





فَانَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

و در آن روز آنها همه در عذاب مشترکند. (۳۳)

They will become partners in torment on that day. (33)



إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ

ما چنین از بدکاران انتقام می‌کشیم. (۳۴)

Thus We deal with criminals! (34)



إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید)

They have acted so proudly whenever:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾

به ایشان گفته می شد (از قبول آن) سرکشی می کردند. (۳۵)

"There is no deity except God [Alone]" was said to them, (35)



وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرِكُوا ءَالِهَتِنَا

و می گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای

and they were saying: "Should we abandon our gods

لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ

۳۶

دست از خدایان خود برداریم؟! (۳۶) (چنین نیست که آنها پنداشتند)

for a crazy poet?" (36)



بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ

بلکه (محمد ص) پیغمبر بزرگی است که برای تعلیم و هدایت خلق عالم با برهان

Rather he has brought the Truth

وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ



روشن حق آمد و (حجت و معجزاتش) صدق پیغمبران پیشین را نیز اثبات کرد. (۳۷)

and vouches for the emissaries. (37)



۳۸

إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ

شما (که او را تکذیب کردید، امروز) عذاب سخت و دردناک خواهید چشید. (۳۸)

Yet you will taste painful torment (38)

۳۹

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و جز به کردارتان مجازات نمی شوید. (۳۹)

and only be rewarded for what you have been doing, (39)



۴۰

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

(امروز همه مسئولند) جز بندگان پاک برگزیده خدا. (۴۰)

except for God's sincere servants. (40)

۴۱

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ

آنان را (در بهشت ابد) روزی جسمانی و روحانی (بی حساب) معین است. (۴۱)

Those will have an acknowledged provision (41)



فَوَاكِهَ وَهُم مُّكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾

میوه‌های گوناگون بهشتی، و هم آنها (در آن عالم جاودانی) بزرگوار و
of fruit, and will be honored (42)

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾

محرمنند. (۴۲) در آن بهشت پر نعمت متنعمند. (۴۳)
in gardens of Bliss (43)



۴۴

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ

بر تختهای عالی روبه روی یکدیگر نشسته اند. (۴۴)

facing one another on couches. (44)

۴۵

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ

(حور و غلمان) با جام شراب طهور بر آنان دور می زنند. (۴۵)

A cup will be passed around for them from a clear spring (45)



بِيضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ﴿٤٦﴾

شرابی سپید و روشن که آشامندگان لذت کامل برند. (۴۶)
 [which will be] **delicious for anyone who drinks from it! (46)**

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٤٧﴾

نه در آن می، خمار و دردسری و نه مستی و مدهوشی است. (۴۷)
There will be no hangover from it nor will they feel exhausted by it. (47)

وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ﴿٤٨﴾

و در بزم حضورشان حوران زیباچشمی است که (جزبه شوهر خود) به هیچ کس ننگند. (۴۸)

With them will be bashful women whose eyes will sparkle (48)

كَانَهُنَّ بَيُضٌ مَكْنُونٌ ﴿٤٩﴾

گویی آن حوران (در سفیدی و لطافت) بیضه مکنونند [یعنی تخم شتر مرغ که بسیار خوش رنگ

as if they were hidden [like hatching] eggs. (49)



فَاقْبِلْ بَعْضُهُمْ

است و شتر مرغ آن را با پر خویش می پوشاند تا غبار بر آن ننشیند. (م) [(۴۹) در آنجا

Some of them will step forward

عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

مؤمنان بعضی با بعضی به صحبت روی کنند. (۵۰)

to question one another. (50)



قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ

یکی از آنها گوید: (ای رفیقان بهشتی)

Someone among them will speak up and say:

إِنِّي كَانَتْ لِي قَرِينٌ ۝ ٥١

مرا (در دنیا) همنشینی (کافر) بود. (۵۱)

"Once there was a soulmate of mine (51)



يَقُولُ أَأَنْتَ لِمَنِ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾

که با من می‌گفت: آیا تو (و وعده‌های بهشت و قیامت را) باور می‌کنی؟ (۵۲)
 who used to say: 'Have you become convinced? (52)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا

آیا چون مردیم و استخوان ما خاک راه شد
 When we have died and become dust and bones,



أَيْنَا لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾

باز (زنده شویم و) پاداش و کیفری یابیم؟ (۵۳) باز (این گوینده بهشتی به رفیقان)
will we be called to account?" (53)

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطِيعُونَ ﴿٥٤﴾

گوید: آیا می خواهید نظر کنید (و آن رفیق کافر را اینک در دوزخ بنگرید)؟ (۵۴)
He will say: "Will you (all) just take a look?" (54)



۵۵

فَاطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ

آن گاه خود بنگرد و او را در میان دوزخ (معذب) بیند. (۵۵)

"So he did look down and saw he was [standing] in the midst of

۵۶

قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتُ لِتُرْدِينِ

به او گوید: قسم به خدا که نزدیک بود مرا (همچون خود) هلاک گردانی. (۵۶)

Hades! (55) He said: 'By God, you have almost ruined me! (56)



وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي

و اگر نعمت و لطف خدای من (نگهدار) نبود،

If it were not for my Lord's favor,

لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

۵۷

من هم به دوزخ (نزد تو) از حاضر شدگان بودم. (۵۷)

I'd have been made to appear. (57)



أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ إِلَّا

(و از خوشحالی گوید) آیا دیگر ما را مرگی نخواهد بود؟ (۵۸) جز همان
Aren't we mortal (58) except

مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

مرگ اول (که در دنیا مردیم) و دیگر هیچ رنج و عذابی بر ما نخواهد بود؟ (۵۹)
for our first death? Will we not be punished? (59)



إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾

این است همان سعادت و رستگاری بزرگ. (۶۰) آنان که سعی و عملی می کنند
This is the splendid Achievement!" (60)

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾

باید بر مثل این (بهشت جاودانی) کنند (نه بر دنیای دو روزه فانی). (۶۱)
For such as this let workers toil. (61)



۶۲

أَذِلُّكَ خَيْرٌ نَزْلًا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ

آیا این پذیرایی (و مقام عالی) بهتر است یا درخت زقوم جهنم؟ (۶۲)
Is that a better welcome or is the Infernal Tree? (62)

۶۳

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ

که آن درخت را ما بلای جان ستمکاران عالم گردانیدیم. (۶۳)
We have placed it as a trial for wrongdoers. (63)



۶۴

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ

آن زقوم به حقیقت درختی است که از بن دوزخ برآید. (۶۴)

It is a tree that rises from the depths of Hades. (64)

۶۵

طَلَعُهَا كَأَنَّهُ رِءُوسُ الشَّيَاطِينِ

میوه‌اش (در خباثت) گویی سرهای شیاطین است. (۶۵)

Its cluster [of fruit] looks like devils' heads; (65)



فَإِنَّهُمْ لَأَكْلُونَ مِنْهَا

اهل دوزخ از آن درخت (خباثت) آن طور می خورند
they will eat some of it

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾

که شکمها پر می سازند. (۶۶)
and fill their stomachs with it. (66)



۶۷

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ

پس از خوردن زقوم دوزخ بر آنها آمیزه‌ای از شراب سوزان خواهد بود. (۶۷)

Then on top of it, they will have a concoction made from bathwater

۶۸

ثُمَّ إِنَّ مَرَجِعَهُمْ لِلْأَبْجَحِيمِ

و باز هم رجوعشان به سوی (عذاب دایم) جهنم است. (۶۸)

[to drink]. (67) Then their return must be to Hades. (68)




 ۶۹

إِنَّهُمْ الْفَوَّاءُ أَبَاءَهُمْ ضَالِّينَ

چرا که آنها پدرانشان را در ضلالت و گمراهی یافتند. (۶۹)

They discovered their forefathers had been misled (69)


 ۷۰

فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يَهْرَعُونَ

و باز از پی آنها شتابان می‌رفتند. (۷۰)

and yet they went scurrying along in their footsteps. (70)



۷۱

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ

و قبل از اینان بیشتر پیشینیان هم سخت گمراه بودند. (۷۱)

Most primitive men went astray before them, (71)

۷۲

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ

و ما رسولانی برای بیم و پند بر آنها فرستادیم. (۷۲)

even though We had sent warners out among them; (72)



فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ

(همه را تکذیب کردند) پس بنگر تا عاقبت کار آن امتهای بیم داده شده (گمراه) به چه
yet see what the outcome was for those who were warned, (73)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ۷۳

۷۴

(سختی و هلاکت) انجامید. (۷۳) جز بندگان پاک برگزیده خدا (همه هلاک شدند). (۷۴)
except for God's sincere servants. (74)

وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا

و همانا نوح ما را (بر یاری خود) ندا کرد
Noah called out to Us,

۷۵

فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ

و ما او را چه نیکو اجابت کردیم. (۷۵)
and how favored are those [like him] who respond! (75)



وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ

و او را با اهل بیتش (و پیروانش)

We saved him and his family

۷۶

مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ

همه را از اندوه و بلای بزرگ (هلاکت غرق) نجات دادیم. (۷۶)

from serious grief, (76)



۷۷

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ

و نژاد و اولاد او را روی زمین باقی داشتیم. (۷۷)
and set his offspring up as survivors. (77)

۷۸

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و در میان آیندگان نام نیکویش بگذاشتیم. (۷۸)
We left [mention] of him among later men: (78)



سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ۷۹

سلام و تحیت بر نوح (خداپرست) در میان عالمیان باد. (۷۹)
 "Peace be upon Noah throughout the Universe!" (79)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۸۰

ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم. (۸۰)
 Thus We reward those who act kindly: (80)



۸۱

إِنَّهُ وَ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

که او به حقیقت از بندگان با ایمان ما بود. (۸۱)
he was one of Our believing servants. (81)

۸۲

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ

آن‌گاه دیگران را همه غرق دریای هلاک گردانیدیم. (۸۲)
Then We let the rest drown. (82)



۱۳ وَإِنْ مِنْ شَيْعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ

وازیروان نوح (در دعوت به توحید و خداپرستی) به حقیقت، ابراهیم (خلیل) بود. (۸۳)

To his sect belonged Abraham (83)

۱۴ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ وَبِقَلْبٍ سَلِيمٍ

که با قلبی پاک و سالم (از شرک) به سوی پروردگار خویش آمد. (۸۴)

when he came to his Lord with a sound heart (84)



اِذْ قَالَ لِاٰبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُوْنَ ۝۸۵

هنگامی که با پدر (یعنی عموی) خود و قومش گفت: شما به پرستش چه مشغولید؟ (۸۵)
 as he said to his father and his people: "What are you worshipping? (85)

اَيُّفُكًا ؕ اِلٰهَةً دُوْنَ اللّٰهِ تَرْيَدُوْنَ ۝۸۶

آیا رواست که به دروغ، خدایانی به جای خدای یکتا بر می‌گزینید؟ (۸۶)
 Is it some sham; do you want (other) gods instead of God [Himself]? (86)

۸۷

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

پس در این صورت به خدای جهانیان چه گمان می برید (وازهرو انتقام خدا چگونه نمی ترسید)؟

What is your opinion concerning the Lord of the Universe?" (87)

۸۸

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ

(۸۷) آن گاه (ابراهیم تدبیری اندیشید و) به ستارگان آسمان نگاه کرد. (۸۸)

So he took a glance at the stars (88)



فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ

۱۸۹

و با قومش گفت که من بیمارم (و نتوانم به جشن عید بتان آیم). (۱۸۹)
and said: "I feel heartsick!" (89)

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ

۹۰


قوم از او دست کشیده برگشتند (و از بتخانه در پی نشاط عید به باغ و صحرا شتافتند). (۹۰)
They turned their backs on him: (90)



فَرَاغَ إِلَىٰ ءَالِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾

ابراهیم (که بتخانه را خلوت یافت) قصد بت‌های آنان کرد و گفت: آیا شما غذا
so he shifted [his attention] to their (false) gods, and said: "Don't you

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿٩٢﴾

نمی‌خورید؟ (۹۱) چرا سخن نمی‌گویید؟ (شما چه خدایان بی‌اثر باطلی هستید!) (۹۲)
eat? (91) What is wrong with you that you don't utter a word?" (92) 

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ٩٣

و محکم (با تبر) بر بتان زد (و جز بت بزرگ همه را درهم شکست). (۹۳)
He aimed a blow at them with his right hand. (93)

فَاقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ ٩٤

قوم (آگه شدند و) با شتاب (از پی انتقام) به سوی او آمدند. (۹۴)
They quickly pounced on him. (94)



قَالَ اتَّعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾

ابراهیم گفت: آیا رواست که شما چیزی به دست خود بتراشید و آن را پرستش
He said: "Do you worship something you have been carving, (95)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾

کنید؟ (۹۵) در صورتی که شما و آنچه (از بتان) می‌سازید همه را خدا آفریده. (۹۶)
while God created you and whatever you make?" (96)

قَالُوا ابْنُوا لَهُ وَبُنْيَانًا

(قوم حجت و برهانش نشنیدند و) گفتند:

They said: "Build him a pyre

فَالْقَوَّةُ فِي الْجَحِيمِ ٩٧

باید بر او آتشخانه‌ای بسازید و او را در آتش افکنید. (۹۷)

and cast him into Hades!" (97)



فَارَادُوا بِهِ كَيْدًا

نمرودیان قصد مکر و ستمش کردند، ما هم آنان را
They wanted to plot against him,

فَجَعَلْنَا هُمُ الْأَسْفَلِينَ

۹۸

خوار و نابود ساختیم (و آتش را بر او گلستان کردیم). (۹۸)

so We made them come out on the shorter end of things. (98)



وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ

و ابراهیم (پس از نجات از بیداد نمرودیان به قومش) گفت: من (با کمال
 He said; "I am going away to [meet] my Lord;

إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ۙ

۹۹

اخلاص) به سوی خدای خود می‌روم که البته هدایت‌م خواهد فرمود. (۹۹)
 He will guide me! (99)



رَبِّ هَبْ لِي مِنْ الصَّالِحِينَ ﴿۱۰۰﴾

بارالها، مرا فرزند صالحی که از بندگان شایسته تو باشد عطا فرما. (۱۰۰)

My Lord, bestow some honorable men on me!" (100)

فَبَشِّرْ نَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿۱۰۱﴾

پس مژده پسر بردباری به او دادیم. (۱۰۱)

So We gave him news about an even-tempered boy. (101)



فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ

آن گاه که (آن پسر رشد یافت و) با او به سعی و عمل شتافت (یا در جهد و
When [the son] reached the stage of working alongside him,

قَالَ يَا بُنَيَّ

عبادت یا در سعی صفا و مروه با پدر همراه شد) ابراهیم گفت: ای فرزند عزیزم،
he said: "My son,



إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ

من در عالم خواب چنین می بینم که تو را قربانی (راه خدا) می کنم،
I saw in my sleep that I must sacrifice you.

أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ

در این واقعه تو را چه نظری است؟
Look for whatever you may see [in it]."



۱۳۹
قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي

جواب داد: ای پدر، هر چه مأموری انجام ده

He said: "My father, do anything you are ordered to;

۱۰۲
إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

که ان شاء الله مرا از بندگان با صبر و شکیبا خواهی یافت. (۱۰۲)

you will find me to be patient, if God so wishes." (102)



۱۰۳

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ

پس چون هر دو تسلیم امر حق گشتند و او را (برای کشتن) به روی درافکند. (۱۰۳)
 When they both had committed themselves peacefully [to God] and he

۱۰۴

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ

و ما در آن حال (که کارد به گلویش کشید) خطاب کردیم که ای ابراهیم، (۱۰۴)
 had placed him face down, (103) We called out to him: "Abraham, (104)

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا ^{سج}

تو مأموریت عالم رؤیا را انجام دادی (کارد را از گلویش بردار).
you have already confirmed the dream!",

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ^{۱۰۵}

ما نیکو کاران را چنین نیکو پاداش می دهیم. (۱۰۵)
Thus We reward those who act kindly. (105)



۱۰۶ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ

این ابتلا همان امتحانی است که (حقیقت حال اهل ایمان را) روشن می کند (که در راه خدا

This was an obvious test. (106)

۱۰۷ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

از هر چیزی می گذرند). (۱۰۶) و برا او (گوسفندی فرستاده و) ذبح بزرگی فدا ساختیم. (۱۰۷)

We ransomed him by means of a splendid victim, (107)



۱۰۸

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و ثنای او را در میان آیندگان وا گذاردیم. (۱۰۸)
and left [him to be mentioned] among later men: (107)

۱۰۹

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

سلام و تحیت خدا بر ابراهیم باد. (۱۰۹)
"Peace be upon Abraham!" (109)





كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

ما نیکویان را این چنین پاداش نیکو می دهیم. (۱۱۰)

Thus We reward those who act kindly. (110)



إِنَّهُ وَ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

زیرا او از بندگان با ایمان ما بود. (۱۱۱)

He was one of Our believing servants. (111)



وَبَشِّرْنَا هُ بِإِسْحَاقَ

و باز مژده فرزندش اسحاق را

We announced to him that Isaac

نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ (۱۱۲)

که پیغمبری از شایستگان است به او دادیم. (۱۱۲)

would become a prophet who was honorable. (112)



وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ ج

و بر ابراهیم و اسحاق برکت و خیر بسیار عطا کردیم،

We blessed both him and Isaac;

وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ

و از فرزندان ایشان برخی صالح و نیکوکار

some of their offspring have acted kindly



وَظَالِمٍ لِّنَفْسِهِ مَبِينٌ

۱۱۳

و برخی دانسته و آشکار به نفس خود ستمکار شدند. (۱۱۳)
 while others have clearly wronged themselves. (113)

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

۱۱۴

و همانا ما بر موسی و هارون منت گذاردیم. (۱۱۴)
 We endowed Moses and Aaron (114)



وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا

وهر دو را با قومشان
and saved both them

۱۱۵ مِّنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ

از بلای بزرگ (فرعونیان) نجات دادیم. (۱۱۵)
and their people from serious distress. (115)



۱۱۶

وَنَصَرْنَا هُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

و آنها را یاری دادیم تا (بر فرعونیان) به حقیقت غالب شدند. (۱۱۶)

We supported them and they became victorious; (116)

۱۱۷

وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ

و به آن دو (پیغمبر) کتاب (تورات) روشن بیان را عطا کردیم. (۱۱۷)

and We gave them both the clarifying Book. (117)




 ۱۱۸

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

و هر دو را به راه راست (خداپرستی) هدایت کردیم. (۱۱۸)

We guided them along the Straight Road (118)


 ۱۱۹

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْأَخْرَبِ

و برایشان نام نیک در میان آیندگان باقی گذاردیم. (۱۱۹)

and left [mention] of them among later men; (119)



سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ

۱۲۰

سلام و تحیت بر موسی و هارون باد. (۱۲۰)

Peace be upon Moses and Aaron!" (120)

إِنَّا كَذَلِكِ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

۱۲۱

ما چنین نیکویان را پاداش نیکو می دهیم. (۱۲۱)

Thus We reward those who act kindly. (121)



۱۲۲
 إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

زیرا هر دو از بندگان خاص با ایمان ما بودند. (۱۲۲)

They were both Our believing servants. (122)

۱۲۳
 وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

و همانا الیاس یکی از رسولان بزرگ خدا بود. (۱۲۳)

Elijah was an emissary (123)





إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ

وقتی که قومش را گفت: آیا خداترس و پرهیزکار نمی شوید (که ترک بت و
when he told his folk: "Will you not do your duty? (124)

أَتَدْعُونَ بَعْلًا

خودپرستی کنید؟ (۱۲۴) آیا بت بَعْل نام را (خدا) می خوانید
Do you appeal to Ba'la



۱۲۵

وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ

و خدای بهترین آفریننده عالم را ترک می‌گویید؟ (۱۲۵)
and ignore the Best Creator, (125)

۱۲۶

أَلَلَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

همان خدایی که آفریننده شما و پدران گذشته شماست (نه بتان جماد). (۱۲۶)
God your Lord, and your earliest forefathers' Lord?" (126)

۱۲۷

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

قوم الیاس (رسالت) او را تکذیب کردند، بدین سبب (برای انتقام و عذاب به محشر)

They rejected him, yet they were made to appear, (127)

۱۲۸

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

احضار می شوند. (۱۲۷) (و همه هلاک شوند) جز بندگان پاک و برگزیده خدا. (۱۲۸)

except for God's sincere servants. (128)



۱۲۹

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و از او در میان آیندگان نام نیکو باقی گذاردیم. (۱۲۹)
We left [mention] of him among later men: (129)

۱۳۰

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

سلام بر الیاس (و آل یاسین) باد. (۱۳۰)
"Peace be upon Elijah!" (130)



۱۳۱

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

ما نیکویان را چنین پاداش نیکو می دهیم. (۱۳۱)

Thus We reward those who act kindly; (131)

۱۳۲

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

زیرا او از بندگان خاص با ایمان ما بود. (۱۳۲)

he was one of Our believing servants. (132)



۱۳۳

وَإِن لُّوطًا لَّمِیۡنًا ۝ الْمُرْسَلِیۡنَ

و لوط هم یکی از رسولان خدا بود. (۱۳۳)

Lot was an emissary (133)

۱۳۴

إِذْ نَجَّیۡنَاهُ وَآهْلَهُ وَاجْمَعِیۡنَ

وقتی که ما (خواستیم قوم او را کیفر کنیم) او و اهل بیتش همه را نجات دادیم. (۱۳۴)

when We saved him and his entire family (134)



۱۳۵

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

به جز پیر زالی (همسر او) که در میان قومی که هلاک شدند باقی ماند. (۱۳۵)
except for an old woman who lagged behind. (135)

۱۳۶

ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ

پس (از نجات لوط و اهلش) دیگران که بدکار بودند همه را هلاک ساختیم. (۱۳۶)
Then We annihilated the rest; (136)



۱۳۷

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ

و شما مردم اینک بر دیار ویران قوم لوط می گذرید (و خرابه های آن را به چشم می نگرید)

You still pass by them in the morning (137)

۱۳۸

وَبِالْأَيْلِ ج أَفَلَا تَعْقِلُونَ ع

در صبح، (۱۳۷) و شام، آیا (چشم عبرت نمی گشایید و) عقل را کار نمی بندید؟ (۱۳۸)

and at night. Will you not use your reason? (138)



وَإِنْ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

۱۳۹

و یونس نیز یکی از رسولان بزرگ خدا بود. (۱۳۹) آن گاه که به کشتی پر جمعیتی گریخت

Jonah was an emissary (139)

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

۱۴۰

(زیرا به قومش وعده عذاب داد و آنها از دل توبه کردند و خدا رفع عذاب کرد. او به دریا گریخت تا نزد قوم

when he deserted to the laden ship, (140)



۱۴۱

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ

خجل نرود). (۱۴۰) (کشتی به خطر افتاد و گفتند خطا کاری در میان آنهاست، قرعه زدند تا خطا کار را بیابند)

gambled and was one of those who lost out. (141)

۱۴۲

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ

یونس قرعه زد و به نام خودش افتاد و از مغلوب شدگان (و غرق شوندگان) گردید. (۱۴۱) و ماهی دریا

The fish swallowed him while he was still to blame. (142)



۱۴۳

فَلَوْلَا أَنَّهُ وَكَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ

اورا به کام فرو برد و او در خور ملامت بود. (۱۴۲) و اگر او به ستایش و تسبیح خدا
 If he had not been someone who glorified [God], (143) he would have

۱۴۴

لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

نپرداختی، (۱۴۳) تا قیامت در شکم ماهی زیست کردی. (۱۴۴)

lingered on in its belly until the day when they will be raised up again. (144)

۱۴۵

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿۱۴۵﴾

باز او را (پس از چندین روز) از بطن ماهی به صحرای خشکی افکندیم در حالی که بیمار و ناتوان
We flung him up on the empty shore and he [felt] heartsick. (145)

۱۴۶

وَ أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ ﴿۱۴۶﴾

بود. (۱۴۵) و (در آن صحرا) براو درختی از کدو رویانیدیم (تا به برگش سایه بان و پوشش کند). (۱۴۶)
We made a gourd tree grow up over him (146)

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ

و اورا بر قومی بالغ بر صد هزار یا افزون (به رسالت) فرستادیم. (۱۴۷) و آن قوم چون ایمان
and sent him off to a hundred thousand [people] or even more. (147)

۱۴۷ فَأَمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ۱۴۸

آوردند ما هم تا هنگامی معین (مدت عمر آن قوم، از نعمت خود) بهره مندشان گردانیدیم. (۱۴۸)
They believed so We let them enjoy themselves for a while. (148)

فَاسْتَفْتِهِمُ الرَّبِّكَ الْبِنَاتُ

پس تو از این مشرکان (که فرشتگان را دختران خدا می خوانند) بپرس
Ask their opinion as to whether your Lord has daughters

وَلَهُمُ الْبُنُونَ

۱۴۹

که آیا خدا را فرزندان دختر است و آنان را پسر؟ (۱۴۹)
while they have sons; (149)



أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا

یا آنکه چون ما فرشتگان را خلق می کردیم آنجا حاضر بودند
or did We create the angels as females

۱۵۰

وَهُمْ شَاهِدُونَ

و دیدند که آنها را زن آفریدیم؟ (۱۵۰)
while they were looking on? (150)



۱۵۱

أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ أَفْكَهٍ لَيَقُولُونَ

بدان که اینان (از جهل خود) بر خدا دروغی بسته و می‌گویند. (۱۵۱)

Are they not saying something they have trumped up with [the statement

۱۵۲

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

خدا را فرزند می‌باشد. البته دروغ می‌گویند. (۱۵۲)

that]: (151) "God has fathered something!" They are such liars! (152)

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ

آیا خدا دختران را

Would He select daughters



عَلَى الْبَنِينَ

بر پسران برگزید؟ (۱۵۳)

ahead of sons? (153)



۱۵۴

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

چرا چنین جاهلانه حکم می‌کنید؟ (۱۵۴)

What is wrong with you? How do you make decisions? (154)

۱۵۵

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

آیا (با این ادله روشن) باز متذکر نمی‌شوید؟ (۱۵۵)

Will you not be reminded? (155)



۱۵۶
 أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ

آیا (برای عقیده باطل خود) دلیل روشنی دارید؟ (۱۵۶)
 Or do you have some clear authority? (156)

۱۵۷
 فَاتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

کتاب و برهان تان را بیاورید اگر راست می‌گویید. (۱۵۷)
 Bring on your scripture if you are so truthful! (157)



وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَ

و (فاسدتر از این عقیده آنکه) بین خدا
They have even placed a tie of kinship

وَيَبِّرُ الْجِنَّةَ نَسَبًا ج

و جنّ نسبت و خویشی برقرار کردند
between Him and the sprites.



وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ

در صورتی که جنیان می دانند که (این عقاید وهم و خرافات است

Yet the sprites well know

۱۵۸

إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

و به محشر برای کیفر) احضار خواهند شد. (۱۵۸)

that they too will be made to appear. (158)



۱۵۹

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ

خدا ذات پاکش از این اوصاف که (از جهل) به او نسبت می دهند منزّه است

Glory be to God over whatever they describe (159)

۱۶۰

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

(و همه شما مسئولید). (۱۵۹) جز بندگان پاک برگزیده خدا. (۱۶۰)

except for God's loyal servants! (160)



۱۶۱

فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ

که شما و معبودانتان، (۱۶۱)

You and anything you serve (161)

۱۶۲

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ

نتوانستید آنها را مفتون و گمراه کنید. (۱۶۲)

cannot incite anyone against Him (162)



۱۶۳

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ

جزآن کس را که اهل دوزخ است. (۱۶۳) (ای رسول ما، مشرکان را بگو که فرشتگان می گویند)
except for someone who will roast in Hades. (163)

۱۶۴

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ وَمَقَامٌ مَّعْلُومٌ

هیچ کس از ما فرشتگان نیست جز آنکه او را (در بندگی حق) مقامی معین است. (۱۶۴)
There is none of us but he has an acknowledged status. (164)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ۝
 ۱۶۵

و همه (به فرمان خدا) نیکو صف آراسته ایم. (۱۶۵)

We are drawn up in ranks. (165)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ۝
 ۱۶۶

و دایم به تسبیح و ستایش او مشغولیم. (۱۶۶)

We are those who glorify [God]. (166)



۱۶۷

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُوا

و همانا کافران می گفتند. (۱۶۷)

There were some [people] saying: (167)

۱۶۸

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ

که اگر نزد ما کتابی از رسولان پیشین بود. (۱۶۸)

"If we only had a reminder from early men (168)



۱۶۹

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

ما هم البته از بندگان برگزیده خدا می بودیم. (۱۶۹) و (دروغ می گفتند، زیرا آن قرآن
we should have become God's loyal servants." (169)

۱۷۰

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

بزرگ خدا آمد و) به آن کافر شدند و به زودی (کیفر خود را) خواهند دانست. (۱۷۰)
They have disbelieved in Him so they soon shall know! (170)

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا

و همانا عهد ما دربارهٔ بندگانی که به رسالت فرستادیم

Our word has already gone on ahead



لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ

(چنین در علم ازلی) سبقت گرفته است. (۱۷۱)

to Our servants who were sent forth; (171)



۱۷۲

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ

که البته آنها (بر کافران) فتح و فیروزی یابند. (۱۷۲)
they will indeed be supported. (172)

۱۷۳

وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

و همیشه سپاه ما (بر دشمن) غالبند. (۱۷۳)
Our army will be victorious over them! (173)



۱۷۴

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

پس اینک روی از آنها بگردان تا به وقتی معین. (۱۷۴) و (عذاب دنیا و آخرت)

Turn aside from them for a while; (174)

۱۷۵

وَ أَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

آنها را به چشم ببین که آنها هم به زودی (فتح و فیروزی تو را) خواهند دید. (۱۷۵)

watch them, for they too will be made to watch. (175)





أَفِيعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

آیا کافران (به تمسخر، از تو) عذاب ما را با تعجیل می طلبند؟ (۱۷۶) (بدانند

Do they seek to hasten Our torment? (176)

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ

(که) چون عذاب قهر الهی پیرامون دیارشان فرود آید (بر آن کافران شبی

Whenever it settles down into their courtyard,



فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ

۱۷۷

بگذرد که) صبح بسیار بدی خواهند داشت. (۱۷۷) اینک روی از آنها بگردان
how dismal will be the morning for those who have been forewarned!

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

۱۷۸

تا به وقتی معین. (۱۷۸) و (عذاب و ذلت آنها را) به چشم ببین که آنها هم
(177) Turn aside from them for a while; (178)



وَأَبْصِرْ

به زودی
watch,

۱۷۹ فَسَوْفَ يَبْصِرُونَ

(فتح و فیروزی تو را) خواهند دید. (۱۷۹)
for they too will have to watch. (179)



سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ

پاک و منزّه است پروردگار تو که خدایی مقتدر و بی همتاست
Glory be to your Lord, the Lord of Grandeur,

عَمَّا يَصِفُونَ

۱۸۰

و از توصیف (جاهلانۀ) خلق مبرّاست. (۱۸۰)
beyond what they describe! (180)



وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

۱۸۱

و سلام و تحیت الهی بر رسولان گرامی او باد. (۱۸۱)

Peace be on the emissaries! (181)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱۸۲

و ستایش مخصوص خداست که آفریننده جهان ها و جهانیان است. (۱۸۲)

Praise be to God, Lord of the Universe! (182)



سوره ۳۸ - ۸۸ آیه - مکی ﴿ سُورَةُ ص ﴾

Surah 38: (Saad)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



ص ج

ص (رمز خدا و رسول است یا اشاره است به صمد و صانع و صادق از اسماء الهی یا به صفی و مصطفی

S.

وَالْقُرْءَانِ ذِي الذِّكْرِ ۱

که القاب پیغمبر است) قسم به قرآن صاحب مقام ذکر (وعزت و شرافت و پند آموز عالمیان). (۱)

By the Qur'an so full of renown! (1)



بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا

(که محمد «ص» رسول حق و قرآن بزرگ معجز اوست) بلکه کافران

Rather those who disbelieve [are toying]

فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ ۲

(که منکر اویند) در مقام غرور و سرکشی و عداوت حق هستند. (۲)

with prestige and dissension. (2)



كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ

ما پیش از اینها طوایف بسیاری را به هلاکت رسانیدیم

How many generations have We wiped out before them?

فَنَادَوْا وَ لَاتَ حِينِ مَنَاصٍ ۳

و آن هنگام فریادها کردند و هیچ راه نجاتی بر آنها نبود. (۳)

They called out, and the time for escape had lapsed. (3)



وَ عَجِبُوا

و (مشركان مگه) تعجب کردند

They are surprised

أَنْ جَاءَهُمْ مِنْذِرٌ مِنْهُمْ

که رسولى از همان نژاد عرب براى تذکر و پند آنان آمد،

that a warner should come to them from among themselves.



وَقَالَ الْكٰفِرُونَ

و آن کافران گفتند:

Disbelievers say:

هٰذَا سٰحِرٌ كٰذِبٌ ﴿٤﴾

او ساحری دروغگوست. (۴)

"This is some lying magician! (4)



ز
أَجَعَلَ الْأَلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا

آیا او چندین خدای ما را منحصر به یک خدا کرده (و به معبود یگانه
Has he made [all] the gods into One God?

إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ ۝٥

دعوت می‌کند؟ این بسیار تعجب‌آور و حیرت‌انگیز است. (۵)
This is such an amazing thing!" (5)



وَأَنْطَلِقَ الْأُمَلَاءُ مِنْهُمْ أَنْ أَمْشُوا

و گروهی از سران قوم به راه افتاده (و چنین رأی دادند) که باید طریقه خود

The elders among them sound off: "Walk around

وَأَصْبِرُوا عَلَىٰ آلهَتِكُمْ

را ادامه دهید و در پرستش خدایان خود ثابت قدم باشید، این کاری است که

and be patient concerning your gods.



إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ۖ



مراد همه است (یا این قیام پیغمبر بر محو و نابود ساختن بتان از پیشامدهای بد روزگار است که

This is something to be desired. (6)

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ

باید با آن مقاومت کنیم). (۶) این را (که دعوی محمد است در توحید و یگانگی خدا) در آخرین

We have not heard any of this among any latterday denomination; ۶

إِنَّ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ ۗ



مَلَّتْ (هم که مَلَّتْ و آیین مسیح است) نشنیده ایم (زیرا مَلَّتْ عیسی نیز به سه خدا و اقانیم سه گانه
this is merely a fabrication. (7)

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا ج

معتقد است)، این جز بافندگی و دروغ چیز دیگری نیست. (۷) آیا میان همه ما (بزرگان عرب)
Has a Reminder been revealed just to him among us?"



ج
بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

قرآن (مخصوصاً) براو فرود آمد؟ (در صورتی که او هیچ امتیازی بر ما نداشت!) بلکه این کافران از (وحی)

Indeed they are in doubt about My reminder;

بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ



قرآن من در شک ورینند، بلکه هنوز عذاب (قهر) مرا نچشیده‌اند (که دست از کفر بر نمی‌دارند). (۸)

rather they have not yet tasted any torment! (8)



أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِرٌ رَّحْمَةٍ

آیا گنجهای رحمت خدای تو که در کمال اقتدار و بخشندگی است

Or do they have treasures from the mercy

رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۹

نزد این مردم است (تا مقام رسالت را به هر که خواهند بخشند)؟ (۹)

of your Lord, the Powerful, the Bountiful? (9)



أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

یا مگر سلطنت آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست با این کافران است؟ پس (اگر چنین

Have they control over Heaven and Earth and whatever [lies]

وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ۱۰

است) به هر سبب (که می توانند بر آسمانها) بالا روند (تا وحی را بر هر که خواهند فرود آرند). (۱۰)

between them? Let them haul themselves up on ropes. (10)



جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ

این نالایق سپاه کفر (بدخواه اسلام) از احزاب مغلوب و نابود شدنی

What a partisan army

مِنْ الْأَحْزَابِ ۱۱

در آنجاست. [یعنی در بدر. و این از اخبار غیبی قرآن کریم است. (م)] (۱۰)

will be routed there! (11)



كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادُ

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم هود) و فرعون (و فرعونیان)
Noah's folk and 'Ad's rejected [Me] before them,

وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ

۱۲

صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران خدا) کردند. (۱۲)
and [so did] Pharaoh who [impaled men] on stakes, (12)



وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ

و طایفهٔ ثمود (امت صالح) و قوم لوط و اصحاب ایکه (امت شعیب)
and Thamud, Lot's folk,

وَأَصْحَابُ لُؤَيْكَةَ

این اقوام هم احزاب و لشکرهای بسیار
and the inhabitants of the Forest.



أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ۱۳ إِنَّ كُلَّ

(بر علیه انبیاء) بودند (و همه هلاک شدند). (۱۳) و آنان به جز تکذیب انبیا،

Those were all partisans; (13) every last one

إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابٌ ۱۴

فکری و عملی نداشتند، بدین جهت عقاب من بر آنها حتم و واجب گردید. (۱۴)

rejected the messengers, so My punishment was justified. (14)

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

و این مردم جز یک صیحه (آسمانی که بر هلاکشان ندا کند) انتظاری ندارند

Those persons only await a single Blast

مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ۱۵

و دیگر آن را بازگشتی نیست (دیگر ابداً به دنیا باز نمی‌گردند). (۱۵)

which will [allow for] no delay. (15)



وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَا

و کافران (به تمسخر) گفتند: ای خدا، حساب نامه اعمال ما را تعجیل کن
They will say: "Our Lord, hasten our doom for us

قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ

۱۶

و پیش از روز حساب انداز. (۱۶)
before the Day of Reckoning!" (16)



أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا

تو بر سخنان (طعن و سخریّه) آنها صبر کن و از بنده ما داود یاد کن که (در اجرای

Endure what they are saying and remember how Our servant

دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ وَأَوَّابٌ ۱۷

امر ما) بسیار نیرومند بود (از احدی اندیشه نداشت) و دایم توبه و انابه می کرد. (۱۷)

David commanded assistance; he was attentive [to God]. (17)



إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ

ما کوه‌ها را با او مسخر کردیم

We forced the mountains to glorify [God] with him

يُسَبِّحُنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

که شب و روز خدا را تسبیح و ستایش می‌کردند. (۱۸)

at evening and sunrise (18)



وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً

و مرغان را مسخر (نغمهٔ خوش او) کردیم که نزد او مجتمع گردند و همه به
 –and the birds were summoned

كُلٌّ لَّهُ وَأَوَّابٌ

۱۹

دربارش از هر جانب باز آیند (و در ستایش خدا با او هم آهنگ شوند). (۱۹)
 and each was [made] attentive to him. (19)



۲۱۰
وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ **و** عَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ

و ملک و شاهی او را نیرومند ساختیم و به او قوهٔ درک حقایق

We strengthened his control and gave him wisdom

وَفَصَّلَ الْخُطَابَ 

و سخن قطعی در داوری (یا تمیز حق از باطل) عطا کردیم. (۲۰)

and distinction as an orator. (20)



وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ

و آیا حکایت آن (دو فرشته به صورت) خصم به تو رسیده است
Has news of the litigants ever reached you,

إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ

که از بالای غرفهٔ عبادتگاه (داود بی اجازه) بر او وارد شدند؟ (۲۱)
when they climbed over the wall into the sanctuary? (21)



إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ

هنگامی که (در محراب) بر داود داخل شدند و او از آنان سخت هراسان شد
Thus they burst in upon David so he was startled by them.

قَالُوا لَا تَخَفْ

(که مبادا دشمن باشند) آنان بدو گفتند: مترس،
They said: "Don't be afraid:



خَصْمَانِ بَغِي

ما دو تن (یا دو گروه) خصم یکدیگریم
[we are] **two litigants,**

بَعْضُنَا عَلَي بَعْضٍ

که برخی بر دیگری ستم کرده (و به حکومت پیش تو آمده‌ایم)،
one of whom has injured the other;



فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ

میان ما به حق حکم کن و با هیچ یک جور و طرفداری مکن
so judge correctly between us and do not act too stern.

وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ

و ما را به راه راست دلالت فرما. (۲۲)

Guide us along the Level Road. (22)



إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ

این برادر من

"This is my brother;

تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعِجَةً

نود و نه رأس میش داراست

he has ninety-nine ewes



وَلِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا

و من یک میش، این یک را هم گفته به من واگذار،

while I have but a single ewe. He has said: 'Turn her over to me,'

وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ

۲۳

و با من به قهر و غلبه و تهدید آمیز خطاب کرده است. (۲۳)

and has spoken harshly to me." (23)



قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ

داود گفت: البته بر تو ظلم کرده که خواسته است

He said: "He has wronged you by asking

إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ

یک میش تو را به میش‌های (نود و نه گانه) خود اضافه کند،

for your ewe [to be added] to his own ewes.



لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ

و بسیار معاشران و شریکان در حق یکدیگر ظلم و تعدی می کنند
Many partners try to take advantage of one another,

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

مگر آنان که اهل ایمان و عمل صالح هستند
except for those who believe and perform honorable deeds.



وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ

که آنها هم بسیار کم‌اند. و (پس از این قضاوت بی‌تأمل و سریع)
Such are few indeed."

وَوَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتْنَاهُ

داود دانست که ما او را سخت امتحان کرده‌ایم،
David suspected that We were merely testing him,



فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ

در آن حال از خدا عفو و آمرزش طلبید
so he sought forgiveness from his Lord

وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ اَنَابَ  

سجده مستحب

و به سجده افتاد و با تواضع و فروتنی (به درگاه خدا) بازگشت. (۲۴)
and dropped down on his knees [in worship], and repented. (24)



فَغَفَرْنَا لَهُ وَ ذَلِكْ وَإِنْ لَهُ

ما هم از آن کرده عفو کردیم و از او درگذشتیم
So We forgave him that. He enjoys precedence

عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَ حُسْنِ مَّآبٍ ۲۵

و او نزد ما بسیار مقرب و نیکو منزلت است. (۲۵)
with Us and the finest retreat. (25)



يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ

(و او را گفتیم که) ای داود، ما تو را

David, We have placed you

خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ

در روی زمین مقام خلافت دادیم،

as an overlord on earth,



فَاَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

پس میان خلق خدا به حق حکم کن
so judge among men correctly

وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى

و هرگز هوای نفس را پیروی نکن
and do not follow any whims



ج
فَيُضِلُّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

که تو را از راه خدا گمراه سازد
which will lead you away from God's path.

إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

و آنان که از راه خدا گمراه شوند
Those who stray from God's path



لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده‌اند
will have severe torment

بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ

به عذاب سخت معذب خواهند شد. (۲۶)
because they have forgotten the Day of Reckoning! (26)



وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ

و ما آسمان و زمین و هر چه را بین آنهاست

We did not create Heaven and Earth and whatever [lies]

وَمَا بَيْنَهُمَا بِاطِلَالٍ

بازیچه و باطل خلق نکرده ایم،

in between them to no purpose.



ذٰلِكَ ظَنُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ج

این گمان کافران است،

That is the opinion of those who disbelieve.

فَوَيْلٌ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنَ النَّارِ ۗ ۲۷

و وای بر کافران از آتش دوزخ. (۲۷)

Those who disbelieve should beware of the Fire! (27)



أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ
آمَنُوا

آیا ما آنان را که ایمان آورده

Shall We treat those who believe

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و به اعمال نیکو پرداختند

and perform honorable deeds



كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ

مانند مردم (بی ایمان) مفسد در زمین قرار می دهیم؟ یا مردمان با تقوا و
just like mischief-makers on earth?

أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ۲۸

خدا ترس را مانند فاسقان بدکار قرار می دهیم (و مانند آنان جزا خواهیم داد)؟ (۲۸)
Or should We treat those who do their duty, like lawbreakers? (28) 

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا

(این قرآن بزرگ) کتابی مبارک و عظیم الشان است که به تو نازل کردیم تا امت
 We have sent down a Book to you that is blessed, so prudent men

عَايَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ۲۹

در آیاتش تفکر کنند و صاحبان مقام عقل متذکر (حقایق آن) شوند. (۲۹)
 may ponder over its verses and thereby be reminded. (29)



وَوَهَبْنَا لِـدَاوُدَ سُلَيْمَانَ ج

و به داود (فرزندش) سلیمان را عطا کردیم، او بسیار

We bestowed Solomon on David.

نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ

۳۰

نیکو بنده‌ای بود، زیرا بسیار به درگاه خدا با تضرع و زاری رجوع می‌کرد. (۳۰)

How favored was such a servant; he was so attentive! (30)



إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ

(یاد کن) وقتی که بر او اسبهای بسیار تندرو و نیکو را (هنگام عصر) ارائه دادند

When the thoroughbreds were led out

بِالْعِشِيِّ الصَّافِنَاتِ الْجِيَادِ

۳۱

(و او به باز دید اسبان پرداخت برای جهاد در راه خدا و از نماز عصر غافل ماند). (۳۱)

to prance before him in the evening, (31)



فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنِّ

در آن حال گفت: (افسوس) که من از علاقه و حبّ اسبهای نیکو از ذکر
he said: "I have loved good things instead of remembering God,"

ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۳۲

و نماز خدا غافل شدم تا آنکه آفتاب در حجاب شب رخ بنهفت. (۳۲)
until the [sun] was concealed behind the veil [of night again]. (32)

رُدُّوهُمَا عَلَيَّ ز فَطَفِقَ مَسْحًا

آن گاه (با فرشتگان موکل آفتاب) خطاب کرد که (به امر خدا) آفتاب را بر من بازگردانید (چون
 "Bring them back to me!" [he said], and he started to stroke

بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ۳۳

برگشت، اداء نماز کرد) و شروع به دست کشیدن بر ساق و یال و گردن اسبان کرد (و همه را برای
 their legs and necks. (33)



وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا

جهاد در راه خدا وقف کرد). (۳۳) و همانا ما سلیمان را در مقام امتحان آوردیم و کالبدی

We tested Solomon and dropped a [nother] body

عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ

۳۴

بر تخت وی افکندیم، آن گاه متذکر شد و باز به درگاه خدا توبه و انابه کرد. (۳۴)

on his seat; then he repented. (34)



قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا

عرض کرد: بار الهما، به لطف و کرمت از خطای من در گذر و مرا ملک

He said: "My Lord, forgive me and bestow control on me

لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي

و سلطنتی عطا فرما که پس از من احدی را نسزد،

such as will not suit anyone after me.





إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

که تو تنها بخشنده بی عوضی. (۳۵)

You are the Bountiful!" (35)

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ

ما هم باد را مسخر فرمان او کردیم

So We subjected the wind to him:





تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ

که به امرش هر جا می خواست به آرامی روان می شد. (۳۶) و دیو و شیاطین را هم که
it blew gently at his command wherever he directed it; (36)



وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بِنَاءٍ وَغَوَّاصٍ

بناهای عالی می ساختند و از دریا جواهرات گرانبها می آوردند نیز مسخرامراو کردیم. (۳۷)
and the devils, every builder and diver, (37)





وَأَخْرَيْنَ مُقْرِنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

و دیگران از شیاطین را (که در پی اضلال خلق بودند، به دست او) در غل و
as well as others hitched together in a chain gang. (38)

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ

زنجیر کشیدیم. (۳۸) این (نعمت سلطنت و قدرت) عطای ماست،

Such are Our gifts; grant them freely



أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾ وَإِنْ لَهُ

اینک بی حساب به هر که خواهی عطا کن و از هر که خواهی منع. (۳۹) و همانا
 or hold them back, without any [further] reckoning." (39) He holds

عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحَسَنَ مَّآبٍ ﴿٤٠﴾

او نزد ما بسیار مقرب و نیکو منزلت است. (۴۰)
 precedence with Us and the finest retreat. (40)



وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَ

و یاد کن از بنده ما ایوب هنگامی که به درگاه خدای خود عرض کرد:

Remember Our servant Job when he called upon his Lord:

أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ

(پروردگارا) شیطان مرا سخت رنج و عذاب رسانیده

"Satan has afflicted me



۲۴۲

ز

بِنُصَبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ

(توازکرم نجاتم بخش). (۴۱) (خطاب کردیم که) پای به زمین زن (زد و چشمهٔ آبی پدید آمد، گفتیم) این

with toil and torment." (41) "Stomp your foot;

هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

آبی است سرد برای شستشو و نوشیدن (در آن شستشو کن و از آن بیاشام تا از هردرد و الم بیاسایی). (۴۲)

this is a cool spring to wash in and for drinking (too)." (42)



وَوَهَبْنَا لَهُ وَأَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَعَهُمْ

و ما اهل و فرزندانی که از او مُردند و به قدر آنها هم علاوه به او عطا کردیم تا در
We restored his family to him and the like of them besides,

رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرًا لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

حق او لطف و رحمتی کنیم و تا صاحبان عقل (نتیجه صبر در بلا را) متذکر شوند. (۴۳)
as a mercy from Us and a Reminder for prudent persons. (43)

وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِعْمًا

و (ایوب را گفتیم) دسته‌ای از چوبهای باریک (خرما) به دست گیر

Take a bundle [of twigs] in your hand

فَاضْرِبْ بِهَا وَلَا تَخْنَثْ ط

و (بر تن زن خود که بر زدنش قسم یاد کردی) بزن و عهد و قسمت را نشکن

and beat [your wife] with it, and do not break your word."



إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا ج

(و زن را هم بی گناه نیازار) ما ایوب را بنده صابری یافتیم،

We found him to be patient;

نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۴۴

نیکو بنده‌ای بود که دایم رجوع و توجهش به درگاه ما بود. (۴۴)

how favored was such a servant. He was so attentive! (44)



وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيمَ وَاِسْحٰقَ

و باز یاد کن از بندگان خاص ما ابراهیم و اسحاق

Remember Our servants Abraham, Isaac

وَ يَعْقُوبَ اُولِي الْاَيْدِي وَاَلْبَصَارِ ٤٥

و یعقوب که همه (در انجام رسالت) صاحب اقتدار و بصیرت بودند. (۴۵)

and Jacob, who possessed both might and insight. (45)



إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ

ما آنان را خالص و پاکدل

We dedicated them specifically

ذِكْرِي الدَّارِ ٤٦

برای تذکر سرای آخرت گردانیدیم. (۴۶)

as a reminder for the Home; (46)



وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا

و آنها نزد ما
some of them

لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ ٤٧

از برگزیدگان و خوبان عالم بودند. (۴۷)
were selected from the very best by Us. (47)



وَإِذْ كُنَّا نَسْمِعُ لِمَنْ يُرِيدُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و باز یاد کن از اسماعیل و یسع

Remember Ishmael, Elisha and [Ezekiel]

وَإِذْ كُنَّا نَسْمِعُ لِمَنْ يُرِيدُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

۴۸

و ذوالکفل که همه از نیکویان جهان بودند. (۴۸)

with the Commission; each [came] from the very best. (48)



هَذَا ذِكْرٌ

این آیات پند و یادآوری (نیکان) است،

This is a Reminder;

وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ حُسْنَ مَأْتَابٍ ۴۹

و البته در جهان جاودانی برای اهل تقوا بسیار نیکو منزلگاهی است. (۴۹)

those who do their duty shall have a fine retreat, (49)



جَنَّاتِ عَدْنٍ

باغهای بهشت ابد
gardens of Eden

مُفْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ



که درهایش به روی آنان باز است. (۵۰)

whose gates will swing open for them! (50)



مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا

در آنجا بر تختها تکیه زنند

Relaxing there, they will call

بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ٥١

و میوه‌های بسیار خوش و شراب می‌طلبند. (۵۱)

for much fruit and drink in them. (51)



وَعِنْدَهُمْ 

و در خدمت آنها

With them

فَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَمْرَابٌ 

حوران جوان شوهر دوست با عفتند. (۵۲)

there will be bashful mates equal in age to them. (52)



۵۳

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ

این (نعمت ابد) همان است که در روز حساب به آنها وعده‌تان می‌دادند. (۵۳)

This is what you were promised on the Day of Reckoning; (53)

۵۴

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ

این است همان رزق بی‌انتهای ابدی ما. (۵۴)

this is Our provision which will never be used up. (54)




 ۵۵

هَذَا وَإِنِ لِلطَّاغِيْنَ لَشَرَّ مَآبٍ

حقیقت حال خوبان این است، و اهل کفر و طغیان را بدترین منزلگاه است. (۵۵)

Such will it be, while the arrogant will have the worst retreat— (55)


 ۵۶

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ

آنان به دوزخ در آیند که بسیار بد آرامگاهی است. (۵۶)

Hell! They will roast in it, and on an awful couch! (56)



۵۷

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ

این است (از قهر حق عذابشان) و آنجا آب گرم عفن حمیم [آب جوشان] و غساق [زرداب]
Here it is; let them taste it: scalding water and bitter cold; (57)

۵۸

وَأَخْرَجْنَا مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجَ

چرکین گندآلود] را هم باید بچشند و بنوشند. (۵۷) و از این عذابهای گوناگون دیگر. (۵۸)
and others of its sort to match. (58)



هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَعَكُمْ

این گروهی هستند که با شما (رؤسای کفر و ضلالت) به دوزخ در آمدند (در

Here comes a troop rushing at you!

لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ

این حال رؤسا گویند) بدا بر حال اینان که در عذاب آتش فروزان شدند. (۵۹)

They have no welcome here, for they must roast in the Fire. (59)

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْرَحِبًا بِكُمْ ز

اهل دوزخ در جواب (رؤسایشان) گویند: بلکه بدا بر احوال خود شما، زیرا شما
They will say: "Indeed you have no welcome either.

أَنْتُمْ قَدْ مَتَّمَوْهُ لَنَا ز فَبِئْسَ الْقَرَارُ ٦٠

آن را برای ما پیش فرستادید (و سبب شدید)، که بسیار آرامگاه بدی است. (۶۰)
You have prepared it for us; what an awful plight!" (60)

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا

باز تابعان به درگاه خدا عرض کنند: پروردگارا، آن کس که برای ما
They will say: "Our Lord, whoever prepared this for us?"

فَزِدَّهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾

این عذاب را پیش فرستاد تو در آتش، عذابش را چندین برابر بیفزا. (۶۱)
Give him double torment in the Fire!" (61)



وَقَالُوا مَا لَنَا لَأَن نَّرَىٰ رِجَالًا

و (اهل دوزخ با یکدیگر) گویند: چه شده که ما مردانی (مؤمن) را
 They will say: "What is the matter with us that we do not see

كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ۖ

۶۲

که از سفله و اشرار می شمردیم نمی بینیم؟ (۶۲)

any men whom we used to consider were evil persons? (62)



أَتَّخَذْنَا هُمْ سِخْرِيًّا

آیا (چون) ما آنها را (در دنیا) مسخره و استهزاء می کردیم (اینک به دوزخ

Did we take them for laughingstocks

أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْبَصَارُ

۶۳

در نیامده اند؟ یا (آنها اهل دوزخ هستند و) چشمان ما بر آنها نمی افتد؟ (۶۳)

or has our eyesight failed to notice them?" (63)





إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ۚ

این منازعهٔ اهل آتش دوزخ محقق و حتمی است. (۶۴)

That is true: the people in the Fire will just argue away. (64)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ ۚ

بگو که من رسولی منذر (و ناصح) بیش نیستم

SAY: "I am only a warner,



وَمَا مِنْ إِلَهٍ

و جز خدای فرد قهار
and there is no deity

إِلَّا اللَّهُ الْوَّاحِدُ الْقَهَّارُ ٦٥

(که بر همهٔ عالم غالب و قاهر است) خدایی نیست. (۶۵)
except God Alone, the Irresistible, (65)



رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

آفریننده آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست،
Lord of Heaven and Earth and whatever [lies]

وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۶۶)

همان خدای مقتدر و بسیار آمرزنده. (۶۶)
in between them, the Powerful, the Forgiving!" (66)



قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ

۶۷

بگو آن (حکایت که از قیامت و اهل بهشت و دوزخ برای شما آوردم) خبر بزرگ عالم

SAY: "It is a fateful message (67)

۶۸

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ

است. (۶۷) (و دریغا که) شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض می‌کنید. (۶۸)

you are shunning. (68)



مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ

مرا بر فرشتگان عالم بالا که (در قضیه خلق آدم یا غیر آن)

I have no knowledge about the supreme council

بِالْمَلَاِ الْعَلِيِّ اِذْ يَخْتَصِمُونَ

خصوصیت و گفتگو داشتند، علمی (پیش از وحی خدا) نبود. (۶۹)

such as they claim to have. (69)



إِنِّ يُوحَىٰ إِلَيَّ

و به من وحی نمی رسد

It has been revealed to me

۷۰

إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

جز اینکه من با بیان روشن و آشکار (خلق را از عذاب خدا) بترسانم. (۷۰)

only that I am a plain warner." (70)



إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ

(یاد کن) هنگامی که خدایت به فرشتگان گفت

Once your Lord told the angels:

إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ۗ

که من بشری از گل خواهم آفرید. (۷۱)

"I am about to create a human being out of clay. (71)



فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ

پس آن گاه که او را به خلقت کامل بیاراستم

When I have fashioned him and breathed some of

مِنْ رُوحِي فَاقْعُوا لَهُ وَسَاجِدِينَ ۷۲

و از روح خود در او بدمیدم بر او به سجده درافتید. (۷۲)

My spirit into him, drop down on your knees before him." (72)



فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ

پس تمام فرشتگان

The angels all bowed down



كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

بدون استثنا سجدہ کردند. (۷۳)

on their knees together (73)



إِلَّا ابْلِيسَ اسْتَكْبَرَ

مگر شیطان که غرور و تکبر ورزید
 except for Diabolis; he was too proud

۷۴

وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ

و از زمره کافران گردید. (۷۴)
 and a disbeliever besides. (74)



قَالَ يَا ابْلِيسُ مَا مَنَعَكَ

خدا به شیطان فرمود: ای ابلیس، تو را چه مانع شد که به موجودی (با قدر
He said: "Diabolis, what prevents you from kneeling down

أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي

و شرافت) که من به دو دست (علم و قدرت) خود آفریدم سجده کنی؟
before something I have created with My own hands?



اَسْتَكْبَرْتَ

آیا تکبر و نخوت کردی یا از فرشتگان

Have you become too proud,

۷۵ **أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ**

بلند رتبه عالم قدس اعلا بودی (که نمی بایست سجده کنند)؟ (۷۵)

or are you overbearing?" (75)



قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ

شیطان گفت: من از او بهترم، که مرا از آتش (نورانی سرکش)

He said: "I am better than he is: You created me from fire

وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

و او را از گل (تیره پست) خلقت کرده‌ای. (۷۶)

while You created him from clay." (76)




 ۷۷

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ

خدا فرمود (ای شیطان جاهل خودبین) اینک از این جایگاه بیرون رو که تو (غرور و تکبر کردی و)

He said: "Clear out of here! You are an outcast; (77)


 ۷۸

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

سخت رانده درگاه ما شدی. (۷۷) و بر تو لعنت (و غضب) من تا روز جزا حتمی و محقق است. (۷۸)

upon you My curse will rest until the Day for Repayment." (78)



قَالَ رَبِّ

شیطان عرض کرد: پروردگارا،

He said: "My Lord,

فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾

پس مهلتم ده که تا روز قیامت زنده مانم. (۷۹)

let me wait until the day when they will be raised up again." (79)





قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ

خدا فرمود: از مهلت یافتگان قرار دادیم. (۸۰)

He said: "You are one of those who may wait (80)"



إِلَى يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

تا روز معین و وقت معلوم (که صلاح نظام عالم می دانیم). (۸۱)

till a day in known time." (81)





قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا غُيُوبَ لَهُمْ أَجْمَعِينَ

شیطان گفت: به عزت و جلال تو قسم که خلق را تمام گمراه خواهم کرد. (۸۲)

He said: "Through Your influence, I'll seduce them all (82)"



إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ

مگر خاصان از بندگانت را که دل از غیر بریدند و برای تو خالص شدند. (۸۳)

except for those among them who are Your sincere worshippers." (83)

قَالَ فَالْحَقُّ

خدا فرمود: به حق سوگند

He said: "Such is the Truth,

وَالْحَقُّ أَقُولُ



و کلام من حق و حقیقت است. (۸۴)

and the Truth do I speak: (84)



لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ

که جهنم را از (جنس) تو

I shall fill Hell with you

۱۵

وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

و پیروانت از آنان تمام پر خواهم کرد. (۱۵)

and any of them who follows you!" (85)



قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

(ای رسول، به امت) بگو: من مزد رسالت از شما نمی خواهم

SAY: "I do not ask you (all) for any payment for it.

وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ

و من (بی حجت و برهان الهی مقام وحی و رسالت را) بر خود نمی بندم. (۸۶)

Nor am I standing on ceremony; (86)





إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

این قرآن نیست جز اندرز و پند برای اهل عالم. (۸۷) و شما منکران بر صدق و حقیقت
 it is only a Reminder to [everyone in] the Universe, (87)



وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ

این مقال پس از چندی (هنگام مرگ و انتقال به آخرت) به خوبی آگاه می شوید. (۸۸)
 so you may know its message after a while." (88)



﴿ سُورَةُ الزُّمَرِ ﴾

سوره ۳۹ - ۷۵ آیه - مکی

Surah 39: (Az-Zumar)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



تَنْزِيلُ الْكِتَابِ

این کتاب (عظیم‌الشان قرآن)

The revelation of the Book

مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۱

از جانب خدای مقتدر حکیم نازل گردیده است. (۱)
[occurs] through God, the Powerful, the Wise! (1)



إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

ما این کتاب را بر تو به حق فرستادیم پس (به شکرانه این نعمت بزرگ) خدای را پرستش

We have sent the Book down to you with the Truth,

فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۚ

کن در حالی که دین را برای او خالص گردانیده باشی (و دل از غیر حق بگردانی). (۲)

so serve God sincerely: religion belongs to Him. (2)



الَّا لِلّٰهِ الدِّيْنُ الْخَالِصُ ج

آگاه باشید که دین خالص (بی هیچ شرک و ریا) برای خداست،

Pure religion belongs to God [Alone]!

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ

و آنان که غیر خدا را (چون بتان و فرعونان) به دوستی و پرستش برگرفتند

The ones who take on [other] patrons instead of Him [claim]: 

مَا نَعْبُدُهُمْ

(گفتند) ما آن بتان را نمی پرستیم

"We do not serve them

إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ

مگر برای اینکه ما را به درگاه خدا نیک مقرب گردانند.

except to bring us closer to God in homage."



إِن اللّٰهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ

خدا البته (این عذر نپذیرد و) میان آنها

God will judge among them

فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

در آنچه اختلاف می کنند حکم خواهد کرد،

about whatever they have been differing over;



إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي

که خدا هرگز آن کس را که

God does not guide

مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ۳

بسیار دروغگو و کافر نعمت است هدایت نخواهد کرد. (۳)

anyone who is a disbelieving liar. (3)



لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا

اگر خدا می خواست فرزندی اختیار کند همانا هر که را از مخلوقاتش
If God had wanted to adopt a son,

لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

خواستی بر می گزید (و لیکن این نقص است و)
He would select anyone He wished from what He has created.



سُبْحَانَهُ وَ

او (از هر گونه نقص و آرایش) پاک و منزّه است،

Glory be to Him!

هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۴

او خدای فرد قهار بی مانند است. (۴)

He is God Alone, the Irresistible! (4)



خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ

آسمانها و زمین را به حق و راستی (و برای حکمت و غرض ثابتی)

He has created Heaven and Earth for Truth.

يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ

ایجاد کرد، شب را بر روز

He wraps night up in daytime,



وَيُكْوِرُ النَّهَارَ عَلَى الْيَلِ ز

و روز را بر شب پیوشاند
and wraps daytime up in night.

وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ز

و خورشید و ماه را مسخر کرده،
He regulates the sun and moon:



كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ط

هر یک (بر مدار خود) به وقت معین گردش می کنند.
each runs along on a specific course.

الْأَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ٥

آگه باشید که او خدای مقتدر مطلق و بسیار آمرزنده است. (۵)
Is He not the Powerful, the Forgiving? (5)



خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ

او شما را از یک تن (آدم) آفرید

He has created you (all) from a single soul;

ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا

پس، از آن جفت او (حوّا) را قرار داد

then made its mate from it.



وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ

و برای استفاده شما هشت قسم
He has sent down eight types

ج ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ

از چهارپایان ایجاد کرد،
of livestock for you.



يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا

و شما را در باطن رحم مادران در سه تاریکی (مَشیمه و رَحْم و بَطْن)

He creates you in your mothers' wombs, one creation

مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ

با تحولات گوناگون (بدین خلقت زیبا) می آفریند،

following upon another creation in three [stages of] darkness.



ذِكْرُ اللَّهِ رَبِّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ

این خداست پروردگار شما که سلطان ملک وجود اوست، هیچ خدایی

Such is God, your Lord. Control belongs to Him;

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِي تُصْرَفُونَ ﴿٦﴾

جز او نیست، پس ای مشرکان (نادان) از درگاه او به کجا می برندتان؟ (۶)

there is no God except for Him. Yet you disregard [Him]! (6)



۲۹۹ ز
إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ

اگر همه کافر شوید خدا از (طاعت) همه شما البته بی نیاز است
Even if you disbelieved, God could still dispense with you.

وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ز

و کفر (و شرک) را بر بندگانش نمی پسندد
He does not approve of disbelief among His servants;



۳۰۰ ط
وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

و اگر (طاعت و) شکرش به جای آرید از شما آن پسند اوست
however if you act grateful, He will approve of you.

ج
وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

و (بدانید که در قیامت) هرگز بار گناه کسی را دیگری به دوش نخواهد گرفت
No burdened [soul] may bear another's burden.



ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ

و پس از این (زندگانی دنیای فانی) باز گشت همه شما به سوی خداست
Soon your return will be unto your Lord;

فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و او شما را به هر چه می کرده‌اید آگاه می‌سازد،
then He will notify you about anything you have been doing.



إِنَّهُ وَعَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾

که او از اسرار دلهای خلق به خوبی آگاه است. (۷)

He is Aware of everything that is on your minds. (7)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ

و (بی چاره) انسان را هر گاه فقر و مصیبت و رنجی پیش آید

Whenever any trouble afflicts a man,



دَعَا رَبَّهُ وَمُنِيبًا إِلَيْهِ

در آن حال به دعا و توبه و انابه به درگاه خدای خود رود
 he appeals to his Lord, showing his concern for Him;

ثُمَّ إِذَا خَوْلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ

و چون نعمت و ثروتی از سوی خود به او عطا کند
 then when He confers some favor on him from Himself,



نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوَ إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ

خدایی را که از این پیش می خواند به کلی فراموش سازد و برای
he forgets what he had already been appealing to Him about,

وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ

خدای یکتا شریک و همتا‌هایی قرار دهد تا (خلق را) از راه خدا گمراه سازد.
and sets up rivals for God so he may mislead [people] from His way.

قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا

بگو: (ای نگون بخت) اندکی به کفر (و عصیان) لذت و آسایش جو،

SAY: "Enjoy your disbelief for a little while;

إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ



که عاقبت از اهل آتش دوزخ خواهی بود. (۸)

you will [soon] be an inmate of the Fire!" (8)



أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ ءَانَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا

(آیا آن کس که شب و روز به کفر و عصیان مشغول است بهتر است) یا آن کس که
Who is so prayerful during the small hours of the night, bowing down

وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ

ساعات شب را به طاعت خدا به سجود و قیام پردازد و از عذاب آخرت ترسان
on his knees [in worship], standing on his guard about the Hereafter,

وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ ط

و به رحمت الهی امیدوار است؟
and hoping for his Lord's mercy?

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ

بگو: آیا آنان که اهل علم و دانشند
SAY: "Are those who know,



وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ط

با مردم جاهل نادان یکسانند؟

to be considered equal to those who do not know?

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ ع

منحصرأ خردمندان متذکر این مطلبند. (۹)

Only prudent men reflect [on this]." (9)



قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ

(ای رسول ما، از قول من به امت) بگو: ای بندگان من

SAY: "My servants

ءَامِنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ

که ایمان آورده‌اید، خداترس و پرهیزکار باشید،

who believe, heed your Lord.



لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا

که آنان که متقی و نیکوکارند (علاوه بر آخرت) در دنیا (هم) نصیبشان نیکویی و خوشی

Those who act kindly in this world will have kindness

حَسَنَةً وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ

است، و زمین خدا بسیار پهناور است (اگر در مکانی ایمان و حفظ تقوا مشکل شد به شهر
[as their reward]. God's earth is vast!



إِنَّمَا يُوفِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ

و دیاری دیگر روید و به راه دین صبر پیشه کنید که) البته صابران به حد کامل

Surely the patient will be paid their wages

بِغَيْرِ حِسَابٍ



و بدون حساب پاداش داده خواهند شد. (۱۰)

without any reckoning." (10)



قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ

بگو که من خود مأمورم که تنها خدا را

SAY: "I have been ordered

أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (۱۱)

پرستش کنم و دین را برای او خالص گردانم (و هرگز شرک نیاورم). (۱۱)

to serve God sincerely, [making] religion exclusively His. (11)



وَأُمِرْتُ

و باز مأمورم

I have been ordered

لِأَنَّ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ

۱۲

که در اسلام و در تسلیم امر خدا مقام اولیّت را دارا باشم. (۱۲)

to be the first of those who are committed to [live in] peace." (12)



قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي

باز بگو که من اگر خدای خود را نافرمانی کنم

SAY: "I fear the torment of an awful day

عَذَابِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۱۳

البته از عذاب روز بزرگ قیامت می ترسم. (۱۳)

if I should disobey my Lord." (13)



قُلِ اللّٰهُ اَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ وِ دِيْنِي

باز بگو: من خدای یکتا را می پرستم و دینم را خاص و خالص برای او می گردانم (و غیر او را

SAY: "God do I worship sincerely; my religion belongs to Him. (14)

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُوْنِهِ ط

باطل محض می دانم). (۱۴) شما هم هر که را می خواهید جز خدا پرستید (که از غیر خدا

So worship anything you wish to instead of Him!"



قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا

جززیان نمی بینید). بگو که زیانکاران آنان هستند که خود

SAY: "The losers will be those who have lost their own souls

أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

و اهل بیت خود را (از کفر و عصیان) در قیامت به خسران جاودان در افکنند،
as well as their families' on Resurrection Day.





الْأَذِيكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

آگاه باشید که این همان زیان است که (در قیامت) بر همه آشکار است. (۱۵)

That will be an obvious loss! (15)

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ

بر آنها از بالا و زیر، سایبان آتش دوزخ است.

They will have sheets of fire above them



۳۱۸
وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ اللّٰهَ

آن آتشی است که خدا از آن بندگان خود را می ترساند،
and sheets beneath them." That is how God frightens

بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ۱۶

که ای بندگان من از (آتش قهر) من بترسید. (۱۶)
His servants: "My servants, heed Me!" (16)



وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ

و آنان که از پرستش طاغوت

The ones who turn aside from the arrogant

أَنْ يَعْبُدُوهَا

دوری جستند

ones lest they serve them,



وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى ج

و به درگاه خدا با توبه و انابه بازگشتند، آنها را بشارت و مژده رحمت است،
and turn toward God, will have good news:

فَبَشِّرْ عِبَادِ ۱۷

(ای رسول) تو هم بندگان مرا (به لطف و رحمت من) بشارت آر. (۱۷)
proclaim such to My servants (17)



الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ

آن بندگانى که سخن بشنوند
who listen to the Statement

فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

و به نیکوتر آن عمل کنند،
and follow the best in it.



۳۲۲
أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ

آنان هستند که خدا آنها را (به لطف خاص خود) هدایت فرموده
Those are the ones whom God has guided;

وَأُولَئِكَ هُمُ الْوَالِدُونَ
۱۸

و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمند. (۱۸)
those are prudent persons. (18)



أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ

آیا کسی که وعدهٔ عذاب خدا بر او محقق و حتمی (و به دوزخ قهر و شقاوت

Against whom has the sentence of torment been carried out?

أَفَأَنْتَ تَنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ

مُعَذِّبٍ) است تو (به پند و نصیحت) می توانی از آن آتش قهرش برهانی؟! (۱۹)

Will you save someone who is [already] in the Fire? (19)



لٰكِنِ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ

لیکن آنان که متقی و خداترس شدند برای آنها (در بهشت رضوان
 Still the ones who heed their Lord will have mansions placed

غُرْفٍ مِنْ فَوْقِهَا غُرْفٍ مَبْنِيَّةٍ

و باغ فردوس جاویدان) کاخ و عمارتها، بالای یکدیگر بنا شده است
 above it, with rooms constructed underneath through



تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ

که در جلو آن عمارات نهرهای آب جاری است. (این بهشت ابد) وعده خداست
 which rivers flow, as God's promise.

لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ۲۰

که خدا هرگز وعده خود را خلاف نخواهد کرد. (۲۰)
 God never breaks any appointment. (20)



أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

آیا (نشانهٔ لطف‌های خدا را در دنیا) نمی‌بینی که خدا از آسمان آب باران
Have you not seen how God sends down water from the sky

فَسَلَكَهُ وَيُنْزِلُهُ فِي الْأَرْضِ

نازل گردانید و آن را در روی زمین در نهرها و جویها روان ساخت
and lets it trickle through the earth into springs?



ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ

آن‌گاه انواع نباتات گوناگون بدان برویاند باز (از سبزی و خرمی) رو به خزان
Then He produces crops of different colors by means of it;

ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مَصْفَرًّا

آرد و نخست بنگری که زرد شود
next it withers away so you see it yellowed;



ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا ج

و آن‌گاه خدا (چوب و علف) خشکش گرداند؟
then he turns it into stubble.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ع

همانا در آن، صاحبان عقل را تذکر (قدرت و رحمت الهی) است. (۲۱)
In that is a Reminder for prudent persons. (21)



أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ **و** لِلْإِسْلَامِ

آیا آن کس را که خدا برای اسلام، شرح صدر (و فکر روشن) عطا فرمود که وی به
Anyone whose breast God has opened up to Islam

فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ **ج**

نور الهی روشن است (چنین کس با مردم کافر بی نور تاریک دل یکسان است)؟
will [receive] light from his Lord.



۳۳۰
ج

فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ

پس وای بر آنان که از قساوت (و شقاوت) دلهاشان از یاد خدا فارغ است!
It will be awful for those whose hearts have been hardened against

أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۲۲

اینان هستند که دانسته به ضلالت و گمراهی‌اند. (۲۲)
remembering God! Such people are in obvious error. (22)



اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش

God has sent down the finest report

كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ

همه (در کمال فصاحت و اعجاز) با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مکرر می شود،

in a consistently duplicated Book. The skins of those



جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ

که از تلاوت (آیات قهر) آن خداترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت)
 who dread their Lord tingle with it; then their skins and hearts are

جُلُودَهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ

باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد.
 softened up for remembering God. Such is God's guidance;



ذٰلِكَ هُدٰى اللّٰهُ يَهْدِىْ بِهٖ مَنْ يَّشَاءُ

این (کتاب) همان (رحمت و) هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید،

He guides anyone He wishes by means of it, while anyone

وَمَنْ يُّضَلِّ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

و هر کس را خدا به گمراهیش واگذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت. (۲۳)

whom God lets go astray will have no one to guide him. (23)



أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ

آیا آن کس که روز قیامت برای پرهیز از سختی عذاب دوزخ ناچار است که رخسارش

Who is it who wards off the worst torment

سَوْءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

را مقابل آتش سپر گرداند (مانند کسی است که از آن عذاب ایمن و آسوده است)؟

from his person on Resurrection Day?



وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ

و (آن روز) به ظالمان خطاب شود

Wrongdoers will be told:

ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

۲۴

که اینک کیفر ستمهایی که می کردید بچشید. (۲۴)

"Taste what you have been earning!" (24)



كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ

آنان که پیش از این امت بودند نیز (پیغمبران خود را) تکذیب کردند پس،

The ones who preceded them denied it, so torment came at them

۲۵

مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

از جایی که پی نمی بردند عذاب (قهر حق) بر آنها فرود آمد. (۲۵)

from somewhere they did not notice. (25)



فَإِذَا قَهَمَ اللَّهُ الْخَزِي

پس خدا عذاب ذلت و خواری را
 God lets them taste disgrace

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

در زندگانی دنیا به آنها چشانید
 during worldly life



وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ج

در صورتی که عذاب آخرت آنها

while torment in the Hereafter will be even greater



لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

اگر بدانند بسیار سخت تر است. (۲۶)

if they only realized it! (26)



وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ

و ما در این قرآن برای (هدایت) مردم هر گونه مَثَلهای روشن آوردیم،

We have made up every sort of comparison for mankind

مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ



باشد که خلق متذکر (حقایق آن) شوند. (۲۷)

in this Reading so that they may be reminded by (27)



قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرِ ذِي عِوَجٍ

همان قرآن عربی فصیح که در آن هیچ ناراستی و حکم ناصواب نیست،
an Arabic Qur'an possessing no ambiguity



لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

باشد که مردم (از آن پند گرفته و) پرهیزگار شوند. (۲۸)
so that they may do their duty. (28)



ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ

خدا (برای کفر و ایمان) مثلی زده (بیاموزید) آیا شخصی که اربابانی متعدد دارد همه مخالف

God has compared one man who has quarrelsome partners

مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ

یکدیگر (و هر کدام او را به کاری پرزحمت می گمارند) با آن شخصی که تسلیم امر یک نفر است

with another man dealing peacefully with [still another] man.



هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ج أَحْمَدُ لِيهِ

(که به او مهربان است و هیچ تکلیف سختی نمی کند) حال این دو شخص یکسان است؟ خدا را

Are either of them comparable? Praise be to God!

۲۹

بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

سپاس (که حالشان هرگز یکسان نیست) لیکن اکثر این مردم درک (این حقیقت) نمی کنند. (۲۹)

Yet most of them do not realize it. (29)



إِنَّكَ مَيِّتٌ

(ای رسول عزیز ما) شخص تو و این خلق
You are mortal

وَأِنَّهُمْ مَيِّتُونَ

البته به مرگ از دار دنیا خواهید رفت. (۳۰)
and they are mortal [too]. (30)



ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

آن‌گاه روز قیامت همه در پیشگاه عدل پروردگار خویش
Still on Resurrection Day you (all)

عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

با یکدیگر ستیزه (و دادخواهی) می‌کنید. (۳۱)
will argue it out before your Lord. (31)





Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



www.negareh-asan.ir

نِگارِش
آسان